

جنگ تعرفه‌ها
تقابل اقتصادی آمریکا و چینناخدا نجف
دربابندری از نگاه علی‌نژادسایه یک دیکتاتور
درباره فیلم من هنوز اینجا هستمپویش بی‌ثمر
شکست کارزار نه به تصادف

حکمرانی غلط آب

سازندگی به موضوع تنش آبی بین دو استان یزد و اصفهان پرداخته و شش خطای راهبردی سیاست‌های مدیریت آب در ایران را بررسی کرده است

جمشید پیش‌قدم
گروه اقتصاد

تنش‌های ناشی از کمبود منابع آب در ایران است. این نوع نزاع‌ها معمولاً در مناطقی رخ می‌دهد که با چالش‌های مشابهی مانند کم‌آبی، رقابت بر سر منابع مشترک، وابستگی به رودخانه‌ها یا سیستم‌های آبی مشترک مواجه هستند. این تنش‌ها که ریشه در ابرچالش آب و محیط زیست دارند به یکی از موضوعات مهم و حساس تبدیل شده‌اند که با توجه به تمرکز رسانه‌های خارج از کشور، می‌تواند به یک مساله مهم در امنیت ملی کشور تبدیل شود.

اما ماجرا چیست؟

درحالی‌که گروهی از کشاورزان معترض اصفهانی به خط لوله انتقال آب به یزد آسیب رساندند و ایستگاه‌های پمپاژ شماره سه و چهار را تخریب کردند که این اقدام منجر به قطع آب شرب

در بخش‌هایی از یزد شد و واکنش‌های شدیدی را در پی داشت و تنش را به سطح جدیدی رساند. این تنش‌ها، پیامدهای متعددی در پی داشته است. ازجمله اینکه قطع آب در یزد به مدت چند روز، تعطیلی مراکز دولتی و آموزشی را در این استان به دنبال داشت. در مقابل، تجمعات اعتراضی کشاورزان در اصفهان صورت گرفت. مقامات محلی هر دو استان یکدیگر را به تحریک افکار عمومی متهم کرده‌اند. برخی مدیران یزدی، اعتراض‌ها را به عوامل خارجی یا سیاسی نسبت داده‌اند، درحالی‌که نمایندگان اصفهان بر لزوم بازنگری در پروژه انتقال آب تأکید دارند. این درحالی‌است که اختلال در تأمین آب، فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی در هر دو استان را تحت تأثیر قرار داده و نگرانی‌هایی درباره خسارات بلندمدت اقتصادی ایجاد کرده است.

در پی این حوادث، تلاش‌هایی برای مدیریت بحران صورت گرفته ازجمله اینکه رئیس‌جمهور در واکنش به این موضوع، خواستار رسیدگی فوری به مشکل و تأمین آب شرب یزد شد. سخنگوی صنعت آب نیز اعلام کرد که مشکل به زودی برطرف خواهد شد. وزارت نیرو که به دلیل سکوت اولیه مورد انتقاد قرار گرفته بود، از برنامه‌های بلندمدت برای انتقال آب از دریا به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش تنش‌های آبی خبر داد. با این حال، این طرح‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و زمان طولانی است. مقامات محلی یزد از مردم خواستند آرامش خود را حفظ کنند و از اقدامات تلافی‌جویانه خودداری کنند، درحالی‌که در اصفهان، مذاکراتی با نمایندگان کشاورزان برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی آغاز شده است. | ادامه در صفحه ۶

پایان تلخ مسافر قطب جنوب

رئیس‌جمهور، معاون پارلمانی خود را برکنار کرد



یادداشت روز

تهدیدات دوجانبه

امپریالیسم جدید از ایران چه می‌خواهد؟



سیدمصطفی هاشمی‌طبا
عضو شورای عالی مشورتی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در طول چهار دهه گذشته، روابط ایران و ایالات‌متحده آمریکا همچنان بر بستر تنش‌ها و اختلافات پیچیده‌ای قرار داشته است. یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های این روابط، اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی از سوی آمریکا به ایران بوده است. فشارهایی که هرگز بدون عواقب نبود و همواره برای ایران هزینه‌بر و گاه غیرقابل پیش‌بینی بوده‌اند. این سیاست‌ها، گاهی به شکل تحریم‌ها، گاهی در قالب تهدیدات نظامی و گاهی به صورت سیاست‌های اقتصادی و دیپلماتیک در راستای منروی کردن ایران در سطح جهانی دنبال شده‌اند. به طور مثال از بمب هیروشیما تا تهدیدات نظامی ترامپ، آمریکا همواره از قدرت‌های خود به شکلی ابزاری علیه ایران استفاده کرده است. درک رفتار آمریکا در قبال ایران بدون توجه به سابقه تاریخی همچنین نحوه رفتار این کشور در دیگر نقاط جهان ممکن نیست. آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی، سابقه‌ای طولانی در استفاده از قدرت نظامی و اقتصادی خود دارد، بدون اینکه لزوماً نیاز به پاسخگویی به اقداماتش احساس کند. بمباران هیروشیما در سال ۱۹۴۵ نمونه‌ای از این سیاست‌هاست. اقدامی که به‌رغم گستردگی فاجعه و تبعات انسانی آن، هیچ‌گاه از سوی مقامات آمریکایی به طور جدی مورد بازخواست و ملامت قرار نگرفت. این نوع رویکرد به‌ویژه در دهه‌های اخیر در قبال ایران نیز مشاهده می‌شود، جایی که آمریکا در هر زمان ممکن برای اعمال فشار بیشتر از هر ابزاری استفاده کرده است حتی در مواردی که تبعات انسانی و اخلاقی آن به چشم نمی‌آید. ایران در طول این سال‌ها با مقاومت‌های مختلفی در برابر فشارهای آمریکا مواجه شده اما یکی از مسائلی که موجب پیچیدگی بیشتر این روابط شده، سیاست‌های داخلی ایران است. تخاصم دائمی و تنش‌زایی با غرب در دوره‌هایی به یک جزء جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های خارجی ایران تبدیل شده که نه‌تنها پایه‌های دیپلماسی را تضعیف کرده بلکه آن را به یک عامل روانی و سیاسی تبدیل کرد که هرگونه حرکت به سمت مذاکره با آمریکا را به یک چالش عظیم بدل کرده است. این سیاست که به ویژه توسط تندروهای داخلی تکرار می‌شود، درحالی‌که ممکن است به‌عنوان یک ابزار سیاسی و تبلیغاتی در داخل کشور مورد استفاده قرار گیرد به شدت در برابر تلاش‌های دیپلماتیک ایران در سطوح بین‌المللی قرار دارد. به عبارت دیگر، شعارهای تند و تهدیدات در این خصوص نه‌تنها منازعات را تشدید می‌کند بلکه باعث می‌شود هرگونه تغییر در سیاست‌های خارجی ایران با هزینه‌های سنگین داخلی و مخالفانی سرسخت مواجه شود. اما وضعیت کنونی ایران و آمریکا تحت شرایط جدیدی قرار دارد. انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا به وضوح نشان‌دهنده تغییرات عمده‌ای در سیاست خارجی این کشور بود. ترامپ با شعار «اول آمریکا» خود، نه‌تنها به توافقات بین‌المللی مانند برجام پشت کرد بلکه تهدیدات نظامی و اقتصادی جدیدی علیه ایران مطرح کرد. یکی از جملات معروف او که در آن گفته بود «اگر توافقی نشود، ایران را بمباران خواهیم کرد»، نمادی از زورگویی، امپریالیسم و عدم پایداری سیاست‌های آمریکا و غیرقابل پیش‌بینی بودن تصمیمات این کشور در قبال ایران بود. این تغییرات و تهدیدات ناگهانی عملاً شرایط مذاکره را برای ایران پیچیده‌تر از قبل کرده است. مذاکراتی که در گذشته از طریق دیپلماسی‌های مختلف حتی با تنش‌های زیاد، در جریان بودند، اکنون به یک بازی پرهزینه و پرریسک تبدیل شده‌اند. این شرایط، باعث می‌شود که دولت ایران دیگر تنها با یک دشمن و تهدید خارجی مواجه نباشد بلکه با تندروهایی در داخل کشور نیز روبه‌رو است که نه‌تنها فشارها و تهدیدات خارجی را به حساب ناکامی در سیاست‌های گذشته می‌گذارند بلکه به‌جای جست‌وجوی راه‌حل‌های دیپلماتیک بر طبل جنگ می‌کوبند. این وضعیت نه‌تنها دشواری‌های مذاکره را بیشتر کرده بلکه هزینه‌های سیاسی و اجتماعی برای هر دولتی که بخواهد به‌نوعی به مذاکرات بازگشته یا توافقی با آمریکا به دست آورد را افزایش داده است.

| ادامه در صفحه ۲

گزارش

موهبت آزادی

اولین بیانیه کروی پی پس از رفع حصر

مهدی کروی، رئیس اسبق مجلس که بیشتر از ۱۵ سال در حصر خانگی به سر می‌برد، کمی پس از رفع حصر کامل او در آخرین روزهای عید نوروز، بیانیه‌ای منتشر کرد و ضمن تاکید بر دیدگاه‌های گذشته خود درباره آنچه به ویژه از زمان انتخاب محمود احمدی‌نژاد افتاده است، تاکید کرد: من همچون گذشته خود را متعهد می‌دانم که در دفاع از حقوق یکایک مردم، فارغ از نگاه و باورشان، زبان در کام نگیرم و از حقوق شرعی و قانونی و آزادی‌های مشروع آنان دفاع کنم. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: آزادی موهبتی است الهی اما برای من آزادی زمانی معنی پیدا می‌کند که نگرش‌های مستبدانه جمعی تشنه قدرت و ثروت برای همیشه از این کشور رخت بپندد و در عمل شاهد حاکمیت مردم بر سرنوشت‌شان باشیم و میزان به معنای واقعی در همه امور، رای ملت باشد.

کروی همچنین خطاب به رؤسای قوه مجریه و مقننه و پیگیری‌های آنها نوشت: در پاسخ به تلاش رؤسای محترم قوه مجریه و قضائیه در پایان دادن به این رفتار غیرقانونی ضمن تشکر از پیگیری آنان به اطلاع رساندم که اینجانب و مهندس موسوی در یک پرونده محصور و از حقوق قانونی‌مان محروم گشته‌ایم. تاکید کردم با آنکه آزادی را حق طبیعی‌ام می‌دانم اما ترجیح می‌دهم همان‌طور که در یک روز به حصر رفتم به اتفاق از حصر خارج شوم. مدتی موضوع مسکوت ماند تا اینکه در آستانه نوروز از تصمیم مقامات امنیتی مبنی بر ترک نیروهایشان از منزل‌مان در بیستم فروردین ماه سال جاری مطلع شدم. ان‌شالله به زودی هم شاهد پایان حصر دوست و برادر عزیزم مهندس موسوی و همسر گرامی‌شان خانم دکتر رهنورد باشیم.

همچنین کروی در ادامه این بیانیه ذکر کرده است: با تبعید، زندان و محدودیت بیگانه نبوده و نیستم، آنچنان که در جوانی زندان و شکنجه‌های ساواک پهلوی مرا از میدان به در نکرد و در میانسال‌ی مسند صدارت و قدرت، چشمانم را کور نکرد و در سالمندی توهین، حرمت‌شکنی، فشار و سپس حصر طویل‌المدت موجب سکوت نشد. من همچون گذشته خود را متعهد می‌دانم که در دفاع از حقوق یکایک مردم، فارغ از نگاه و باورشان، زبان در کام نگیرم و از حقوق شرعی و قانونی و آزادی‌های مشروع آنان دفاع کنم. خدا را هم گواه می‌گیرم که دفاع از حقوق آحاد مردم را وظیفه شرعی و ملی‌ام می‌دانم چراکه بر این باورم که ایران متعلق به همه ایرانیان است. آزادی بی‌قیدوشرط زندانیان سیاسی به‌خصوص زنان در بند از هر مرام و مسلکی که باشند را مطالبه به حقی می‌دانم که ان‌شالله از همین امروز پیگیر آن خواهم بود.

وی در پایان نامه خود آورده است: مهدی کروی خود را بنده خدا، فرزند ایران و سرریز کوچک ملت، مدیون به شهدای انقلاب و جنگ می‌داند که تا پایان عمر متعهد است در راستای عزت و سربلندی ایران و تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت‌شان تلاش کند و در این مسیر آنچه را خیر و صلاح کشور مطابق منافع ملی می‌داند با زبانی صریح بگوید، اگرچه به مذاق برخی خوش نیاید. در پایان هم وظیفه دارم از همه کسانی که در این سال‌ها به طرق مختلف محصورین را مورد حمایت و محبت خود قرار دادند، تشکر و قدردانی کنم.

ادامه یادداشت روز

تهدیدات دوجانبه

در شرایط کنونی، عدم اطمینان و تغییرات مداوم در تصمیمات آمریکا، وضعیت ایران را به جایی رسانده که هرگونه مذاکره، چه مستقیم و چه غیرمستقیم تقریباً بی‌ثمر به نظر می‌رسد. ایران با یک معضل اساسی روبه‌رو است: چگونه می‌توان با کشوری که هر لحظه ممکن است سیاست‌هایش را تغییر دهد و حتی تهدیدات نظامی جدیدی را مطرح کند، وارد مذاکره شد؟ این سوالی است که امروز ایران و بسیاری از کشورهای جهان با آن روبه‌رو هستند. در نهایت، اگرچه ایران همچنان درصدد حفظ استقلال خود و مقاومت در برابر فشارهای خارجی است اما واقعیت این است که فشارهای آمریکا به ایران به‌گونه‌ای است که هرگونه اقدام از سوی این کشور می‌تواند بدون پاسخگویی واقعی در جامعه جهانی صورت گیرد. این وضعیت، ایران را با چالش‌های داخلی و خارجی فراوانی مواجه کرده است که نمی‌توان بدون درک دقیق از تاریخچه و تحولات آن به یک راه‌حل پایدار دست یافت.



چهره گمنام قوه قضائیه

محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه: حجت‌الاسلام‌والمسلمین نیری حقیقتاً یکی از چهره‌های گمنام قوه قضائیه بود که در طول همه سنوات گذشته بسیار خاموش عمل می‌کرد. ایشان در طول بیش از یک دهه، ابلاغ ویزه‌ای از امام راحل و مقام معظم رهبری درخصوص مسائل اصل ۴۹ و پرونده‌های مربوط به ولی فقیه داشت که هیچ قاضی در دستگاه قضا چنین حکمی را با این اختیارات نداشته است.



رونمایی تازه‌ترین دستاوردها

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی: تازه‌ترین دستاوردهای این سازمان همزمان با روز ملی فناوری هسته‌ای در ۲۰ فروردین ماه رونمایی می‌شود. با حمایت ریاست محترم جمهوری و پشتیبانی دولت وفاق ملی، امید داریم که این روند توسعه و پیشرفت در سال جاری نیز ادامه یابد تا سازمان انرژی اتمی ایران بتواند همچنان در خدمت مردم و کشور باشد و افتخارات جدیدی را رقم بزند.

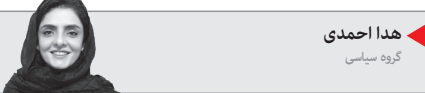


تاوان بلوف‌های جنگ

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در واکنش به اظهارات روزنامه کیهان درباره ترور ترامپ: «ایرانیان از طالبان جنگ و ترور متفرند. اگر عرضه جنگ داشتید به لبنان می‌رفتید، اگر طرح ترور دارید، غلط‌های خود را به نام ایران مطرح نکنید. ملت تاوان بلوف‌های جنگ و ترور افراطیون را می‌دهد. دولت باید از این جریان و ویرانگر اعلام برائت کند.

پایان تلخ مسافر قطب جنوب

رئیس‌جمهور، شهرام دبیری معاون پارلمانی خود را برکنار کرد



در سپهر سیاسی ایران، جایی که هر تصمیم و هر انتصاب می‌تواند موج‌هایی از تحلیل و تفسیر به راه بیندازد، خبر برکناری شهرام دبیری از سمت معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور توسط مسعود پزشکیان، بازتابی گسترده یافت. مسعود پزشکیان در حکم برکناری معاون خود با اشاره به رفاقت دیرینه‌اش با دبیری، تاکید کرده که وفاداری به صداقت، عدالت و وعده‌های دولت به مردم، مقدم بر هر چیزی است و به همین دلیل ادامه همکاری با دبیری در دولت چهاردهم ممکن نیست. این درحالی است که دفتر معاونت پارلمانی پیش‌تر، سفر دبیری به قطب جنوب را تکذیب کرده بود.

در متن حکم برکناری، پزشکیان آمده است: «در این ایام پس از بررسی خبر، قطعی شد که در ایام نوروز در سفر تفریحی قطب جنوب بودید. در دولتی که متفخر به افتدا به مولای متقیان است و در شرایطی که هنوز در کشورمان فشارهای اقتصادی بر مردم زیاد و محرومان پرشمارند، سفر پر هزینه تفریحی مسئولان رسمی، حتی با هزینه‌های شخصی، قابل دفاع و توجیه‌پذیر نبوده و با معیار ساده‌زیستی مسئولان سازگار نیست. دوستی دیرین و همکاری و خدمات ارزشمند شما در معاونت پارلمانی دولت چهاردهم، مانع آن نیست که پایبندی به صداقت، عدالت و وعده‌هایی که به مردم دادیم، مقدم داشته شود. بنابر این از ادامه همکاری با شما در دولت چهاردهم معذوریم.»

این تصمیم، گرچه ناگهانی به نظر می‌رسید اما ریشه در انتقاداتی داشت که مدتی بود پیرامون عملکرد دبیری شکل گرفته و زمزمه‌های آن در راهروهای قدرت به گوش می‌رسید. پایان کار دبیری در این جایگاه کلیدی صرفاً یک تغییر مدیریتی نبود بلکه داستانی از انتظارات برآورده نشده، غیبت‌های سوال‌برانگیز و در نهایت خدشه‌دار شدن اصلی حیاتی به نام صداقت را روایت می‌کرد.

نقطه عطف انتقادات به روزهای پراشتاب استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر وقت اقتصاد، بازمی‌گردد. درحالی‌که یکی از مهم‌ترین وزرای کابینه در معرض سوال و استیضاح نمایندگان مجلس قرار داشت و انتظار می‌رفت معاون پارلمانی رئیس‌جمهور به عنوان حلقه وصل دولت و مجلس، نقشی فعال در رازینی و مدیریت فضا ایفا کند، آقای دبیری در ایران حضور نداشت. او در اسپانیا به سر می‌برد و جای خالی‌اش در بزنگاهی حساس به شدت احساس می‌شد. وظیفه ذاتی معاونت پارلمانی، تعامل مستمر و موثر با نمایندگان، تشریح مواضع دولت و تلاش برای جلب نظر مساعد مجلس در قبال برنامه‌ها به‌ویژه وزرای کابینه است. غیبت دبیری در چنین مقطع حساسی، نه‌تنها انجام این وظیفه خطیر را ناممکن ساخت بلکه این شبانه را تقویت کرد که اولویت‌های دیگری بر مسئولیت‌های رسمی او سایه افکنده است. نتیجه این غیبت و عدم رازینی موثر، خالی ماندن کرسی یکی از کلیدی‌ترین وزارتخانه‌های کشور، آن هم در آستانه تعطیلات نوروز و لزوم برنامه‌ریزی‌های اقتصادی پایان سال بود؛ وضعیتی که به هیچ‌وجه مطلوب دولت و کشور نبود.

ماجرای دیگری که نام دبیری را بر سر زبان‌ها انداخت، سفر او به قطب جنوب در ایام تعطیلات نوروزی بود. نفس سفر در ایام تعطیلی مجلس، که عملاً فعالیت‌های پارلمانی متوقف است، همچنین تأمین هزینه آن از منابع شخصی، فی‌نفسه محل ایراد قانونی نبود. بسیاری از مسئولان در ایام تعطیل به سفرهای شخصی می‌روند و تا زمانی که با وظایف رسمی تداخل نداشته باشد و از منابع دولتی استفاده نشود، امری پذیرفته شده است. اما آنچه سفر به قطب جنوب را برای دبیری به یک چالش تبدیل کرد، حواشی پیرامون آن بود؛ به‌ویژه تکذیب‌های اولیه و عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی. در دنیای سیاست، صداقت و شفافیت اصلی خدشه‌ناپذیر است. زمانی که یک مقام مسئول در ارائه اطلاعات دقیق و صادقانه تعلل ورزد یا به تکذیب واقعیتی بپردازد که

بعداً صحت آن آشکار می‌شود، اعتماد عمومی و مهر از آن، اعتماد مافوق آسیب جدی می‌یابند. به نظر می‌رسد همین عدم صداقت و تلاش برای پنهان‌کاری در مورد سفر بیش از خود سفر، خشم و ناخرسندی را برانگیخت و به عنوان عاملی تعیین‌کننده در تصمیم نهایی برای برکناری او نقش ایفا کرد.

نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که انتخاب دبیری برای این سمت شاید از ابتدا نیز با تردیدهایی همراه بوده است. گفته می‌شود پیش از انتخاب او، پزشکیان، الیاس حضرتی را که اکنون ریاست شورای اطلاع‌رسانی دولت را بر عهده دارد، برای این پست در نظر گرفته بود. اینکه چرا در نهایت قرعه به نام دبیری افتاد، موضوعی است که در گمانه‌زنی‌های سیاسی مطرح می‌شود اما نتیجه این انتخاب، اکنون به وضوح مشخص شده است. برکناری دبیری، اگرچه اقدامی برای



اصلاح و ترمیم کابینه از سوی رئیس‌جمهور تلقی می‌شود اما برای مخالفان و منتقدان دولت، به‌ویژه جریان‌های تندرو، بهانه‌ای برای شادمانی و تایید انتقادات پیشین‌شان فراهم کرده است. آنها این برکناری را نه نشانه قاطعیت رئیس‌جمهور در برخورد با ناکارآمدی بلکه گواهی بر انتخاب اشتباه اولیه و ضعف در ارزیابی افراد می‌دانند و از آن به عنوان حربه‌ای برای زیر سوال بردن کلیت تیم مدیریتی دولت استفاده می‌کنند.

تشرک مخالفان دولت از رئیس‌جمهور

اما جنجال زمانی آغاز شد که خبر سفر دبیری به قطب جنوب به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. برخی کانال‌ها و حساب‌های کاربری خاص در روزهای ابتدایی نوروز خبر دادند که دبیری به همراه همسرش از طریق آرژانتین برای تعطیلات نوروزی به قطب جنوب سفر کرده‌اند. این خبر به سرعت در فضای مجازی منتشر شد و مخالفان دولت از این فرصت استفاده کرده و با انتقاد از دولت به‌ویژه رئیس‌جمهور از این سفر به عنوان مستمسکی برای حملات سیاسی استفاده کردند. در این میان علاوه بر مخالفان دولت، حامیان و هواداران دولت نیز نسبت به سفر دبیری به قطب جنوب واکنش نشان دادند. برخی اعضای شورای اطلاع‌رسانی دولت نسبت به ادامه حضور دبیری در کابینه هشدار دادند و انتقاداتی را نسبت به اقدام وی مطرح کردند. محمد مهاجری، یکی از اعضای شورای اطلاع‌رسانی دولت در یادداشتی نوشت: «اگر خبر سفر دبیری به قطب جنوب درست باشد، حتی اگر هزینه‌ها شخصی بوده باشد، این اقدام با معیارهای دولت سازگار نیست و باید او از سمت خود کنار برود». روابط عمومی معاونت پارلمانی ریاست‌جمهوری، فردای این یادداشت به طور رسمی سفر دبیری به قطب جنوب را تکذیب کرده و تصاویری که در فضای مجازی منتشر شده بود را قدیمی دانسته و آنها را مربوط به سفرهای پیشین اعلام کرد. در این بیانیه آمده بود: «خبر منتشر شده مبنی بر سفر معاون پارلمانی رئیس‌جمهور به قطب جنوب نادرست است و تصاویر منتشر شده، قدیمی است.»

حملات به دولت به‌ویژه به مسعود پزشکیان به سرعت شدت گرفت و برخی از چهره‌های سیاسی، ازجمله مخالفان دولت، این مساله را فرصتی برای ترویج شبهه‌های سیاسی را رئیس‌جمهور دانستند. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت نیز در واکنش به این انتقادات از احتمال

تصویب مقررات جدیدی در دولت برای سفرهای شخصی اعضای کابینه به خارج از کشور خبر داد و گفت که اعضای دولت باید قبل از هرگونه سفر شخصی به خارج از کشور، اطلاع‌رسانی انجام دهند تا از ایجاد مشکلات سیاسی جلوگیری شود. در همین راستا، نمایندگان مجلس نیز به این موضوع واکنش نشان دادند. برخی از آنها برکناری دبیری را اقدامی شایسته و درست دانسته و آن را نشان از پایبندی دولت به اصول عدالت و صداقت عنوان کردند. مالک شریعتی، نماینده اصولگرای مجلس در توییت نوشت: «از رئیس‌جمهور پزشکیان بابت این اقدام انقلابی تشکر می‌کنم و امیدوارم که این نوع رفتارها در کشور نهادینه شود.»

همچنین جلیل محبی، روحانی نزدیک به قالیباف نیز با تاکید بر محتوای حکم برکناری دبیری، آن را در نوع خود بی‌نظیر دانسته و ابراز امیدواری کرد که این نوع اقدامات در آینده الگوی مناسبی برای مسئولان کشور باشد.

از سوی دیگر، برخی از حامیان رئیس‌جمهور نیز این اقدام را نه به عنوان یک نقطه‌ضعف بلکه به عنوان فرصتی برای نشان دادن جدیت رئیس‌جمهور در اجرای اصول خود می‌بینند. به گفته این گروه، پزشکیان در شرایطی که ممکن بود از دبیری‌مهر به عنوان یک متحد سیاسی استفاده کند، تصمیم گرفت به طور قاطع عمل کند و هیچ‌گونه تساهلی در قبال اصول خود نداشته باشد. برای نمونه در واکنش به برکناری دبیری، مهاجرانی سخنگوی دولت نیز با تاکید بر تصمیم رئیس‌جمهور اعلام کرد که این اقدام نشان می‌دهد در دولت هیچ‌گونه تعهد شخصی یا رابطه‌محوری وجود ندارد و معیارهای ارزیابی عملکرد، تنها براساس کارآمدی،

صداقت و منافع مردم است. حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور در دولت روحانی به برکناری شهرام دبیری توسط پزشکیان در پی سفر نوروزی او به قطب جنوب، واکنش نشان داد. او در این زمینه نوشت: «درس تجربه: همیشه مراقب انتقام احتمالی فرد معزول باشید». این تحولات، که از ابتدا با انتشار خبری در فضای مجازی آغاز شد، به یک بحران جدی برای دولت تبدیل شد. سسوالاتی در مورد علت تکذیبیه اولیه سپس تایید سفر دبیری به قطب جنوب به وجود آمده است؛ چراکه این موضوع موجب کاهش اعتماد عمومی به دولت و تضعیف اعتبار تکذیبیه‌ها شده است. در نهایت این اتفاقات نشان می‌دهد که در سیاست‌های دولت چهاردهم، شفافیت و صداقت در کنار کارآمدی باید اولویت‌های اصلی قرار گیرند تا از بروز بحران‌های مشابه جلوگیری شود.

آیا تغییرات به نفع دولت خواهد بود؟

در مجموع ماجرای دبیری، فشارغ از جزئیات و حواشی آن درس‌هایی مهم در عرصه مدیریت و سیاست دارد. اهمیت حیاتی جایگاه معاونت پارلمانی به عنوان پل ارتباطی دولت و مجلس، لزوم تعهد و مسئولیت‌پذیری بی‌قیدوشرط در انجام وظایف و بالاتر از همه، پایبندی به اصل صداقت و شفافیت، نکاتی هستند که این رویداد بار دیگر بر آنها تاکید کرد. برای رئیس‌جمهور پزشکیان، این برکناری فرصتی برای بازنگری و انتخابی دقیق‌تر در آینده است. اما همزمان چالشی برای مدیریت تبعات سیاسی آن و پاسخگویی به منتقدانی است که اکنون با صدایی بلندتر از انتخابات‌های پیشین او سخن می‌گویند. آینده نشان خواهد داد که آیا این تغییر به تقویت جایگاه دولت در تعامل با مجلس منجر خواهد شد یا صرفاً فصلی دیگر در کتاب پرفرازونشیب سیاست‌ورزی در ایران رقم زده است.

این برکناری نه تنها به عنوان یک تغییر در ساختار کابینه تلقی می‌شود بلکه به نوعی نشان‌دهنده آشفتگی‌های درونی دولت و ضعف در مدیریت منابع انسانی نیز است. سسوالاتی که همچنان بدون پاسخ باقی می‌ماند، این است که آیا این تغییرات به نفع دولت خواهد بود؟ آیا رئیس‌جمهور توانایی جبران اشتباهات گذشته را خواهد داشت یا خیر. آنچه مسلم است این است که سیاست‌های داخلی به‌ویژه در زمان‌های حساس همچون استیضاح وزرا، نیازمند دقت نظر و تدبیر بیشتری هستند تا از بروز بحران‌های این‌چنینی جلوگیری شود؟

دیدگاه: گزارش خارجی

روبارویی تل آویو - آنکارا

هدف اسرائیل از حمله
به مواضع ترکیه در سوریه چیست؟

از چندی پیش حملاتی از سوی اسرائیل به برخی از نقاط سوریه شدت گرفت که علل آن تا حدی نامشخص بود اما حالا داده‌های منتشر شده، نشان می‌دهد که هدف این حملات، مخابره پیام تهدید به ترکیه بوده است. درحالی که آنکارا درحال بررسی تأسیس پایگاه‌های نظامی جدید در خاک سوریه در چارچوب یک توافق دفاعی احتمالی بود، جنگنده‌های اسرائیل با انجام حملاتی به سه پایگاه مورد بازدید مقامات نظامی - امنیتی ترکیه بر پیچیدگی وضعیت امنیتی در سوریه افزودند و حالا این حملات بار دیگر احتمال رویارویی آنها را در صحنه سوریه مطرح کرده است.

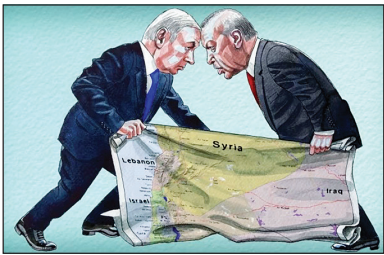
منابع مطلع از تحولات اخیر در سوریه اعلام کردند که ارتش ترکیه طی هفته‌های گذشته از سه پایگاه هوایی در خاک سوریه بازدید کرده بود؛ اقدامی که در چارچوب مقدمات توافقی دفاعی با هدف حضور نظامی گسترده‌تر در این کشور انجام شد. این سه پایگاه شامل پایگاه تی ۴، پایگاه هوایی تدمر در استان حمص و فرودگاه اصلی در استان حماه بوده است. به گفته یک مقام اطلاعاتی منطقه‌ای، تیم‌های نظامی ترکیه در این بازدیدها به ارزیابی زیرساخت‌های فرودگاهی ازجمله باندها و آشیانه‌های هواپیما پرداختند.

این اطلاعات که پیش از این علنی نشده بود از سوی منابعی ارائه شده که به دلیل حساسیت موضوع، خواستار ناشناس ماندن هویت‌شان شده‌اند. با این حال در هفته جاری و پیش از تکمیل بررسی‌های ترکیه، اسرائیل با انجام چندین حمله هوایی؛ ازجمله حمله سنگین چهارشنبه‌شب گذشته این پایگاه‌ها را هدف قرار داد. طبق این گزارش، این اقدام با وجود تلاش‌های آنکارا برای اطمینان‌بخشی به واشنگتن مبنی بر اینکه افزایش حضور نظامی ترکیه در سوریه تهدیدی برای رژیم صهیونیستی نخواهد بود، صورت گرفت. در همین زمینه هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه (جمعه) اعلام کرد که کشورش به دنبال رویارویی با رژیم صهیونیستی در سوریه نیست و اقدامات تل آویو در سوریه را عامل بی‌ثباتی در منطقه دانست.

وزیر امور خارجه ترکیه همچنین گفت که «ما نمی‌خواهیم شاهد هیچ تقابلی با رژیم صهیونیستی در سوریه باشیم زیرا سوریه متعلق به مردم سوریه است». وقتی از فیدان پرسیده شد که آیا طرح‌های ترکیه برای پیمان دفاعی مشترک با سوریه باعث تشدید حملات اسرائیل به پایگاه‌های نظامی سوریه شده، او پاسخ داد که آنکارا با شرکای منطقه‌ای همکاری می‌کند تا سوریه یک پلتفرم مشترک برای جلوگیری از بازگشت داعش و مقابله با تهدیدات مشترک ازجمله حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) تشکیل دهد. او گفت که تضعیف این تلاش، خطر کشاندن کل منطقه به هرج‌ومرج را در پی دارد. فیدان اعلام کرده که «متأسفانه اسرائیل یک‌به‌یک تمام توانایی‌هایی که یک دولت جدید می‌تواند برای مقابله با داعش و دیگر حملات و تهدیدات تروریستی استفاده کند را از بین می‌برد». با این حال، وزیر خارجه ترکیه افزود اگر اداره جدید در دمشق بخواهد با اسرائیل به «تفاهماتی» برسد، آن موضوعی است که به خودشان مربوط می‌شود.

در مقابل، یک مقام ارشد اسرائیل نیز اظهار کرد که تل آویو قصدی برای درگیری با ترکیه ندارد اما از استقرار نظامی این کشور در نزدیکی مرزهای سرزمین‌های اشغالی نیز خشنود نیست. وی گفت: «ما خواهان درگیری با ترکیه نیستیم و امیدواریم آنها نیز چنین قصدی نداشته باشند اما تمامی گزینه‌ها برای مواجهه با این وضعیت روی میز است». در این راستا، یک مقام ارشد اسرائیل فاش کرد که حملات هوایی اخیر به مواضعی در داخل سوریه در واقع پیامی هشدارآمیز به ترکیه بوده است. وی تأکید کرد که اسرائیل نسبت به هر گونه اقدام آنکارا برای تأسیس پایگاه نظامی در سوریه یا مداخله در عملیات نظامی آن در آسمان این کشور هشدار داده است.

رویترز



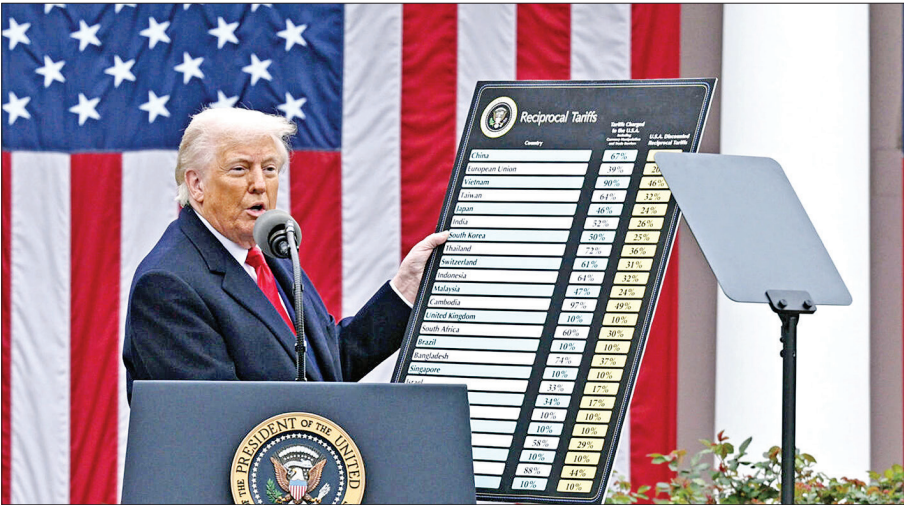
هشدار یمن به عربستان

یک منبع نظامی یمنی در گفت‌وگو با الاخبار اعلام کرد: «اینکه عربستان و سایر کشورها در برابر فشارهای آمریکا تسلیم می‌شوند و اجازه می‌دهند از سرزمین‌هایشان علیه یمن استفاده شود، منجر به جنگ منطقه‌ای خواهد شد و ما به صورت جدی در این خصوص هشدار می‌دهیم. این هشدارها همزمان با تلاش آمریکا برای تشکیل ائتلافی نظامی با مشارکت کشورهای غربی صورت گرفت.



واسطه‌گری ماکرون

روزنامه انگلیسی تلگراف در گزارشی با اشاره به رویکرد امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نسبت به تعامل با رئیس‌جمهور روسیه از زمان آغاز جنگ اوکراین، مدعی شده که او قرار است به عنوان یکی از دو رهبر ائتلاف اروپایی «اراده‌مندان» در حمایت از اوکراین، مسئولیت گفت‌وگوهای مستقیم با رئیس‌جمهور روسیه را بر عهده بگیرد و واسط اروپا و روسیه در مذاکرات صلح اوکراین شود.



اسکن‌های «ام‌آرای» بسیار حیاتی است نیز در این فهرست قرار دارد. محدودیت‌های صادراتی چین بر این عنصر کمپاب خاکی می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر صنعت پزشکی داشته باشد.

ایسن روند تقابلی اما به اینجا ختم نشد؛ چراکه اداره گمرک چین اعلام کرد، واردات مرغ از دو تامین‌کننده آمریکایی را به حالت تعلیق درآورده است. این اداره مدعی شد که گمرک چین بارها ماده ممنوعه فورازولیدون را در محموله‌های دو شرکت تامین‌کننده آمریکایی شناسایی کرده است و بر همین اساس روابط تجاری در این محور را به حالت تعلیق درآوریم. علاوه بر ایسن، دولت پکن اعلام کرد که ۲۷ شرکت را به فهرست شرکت‌های مشمول تحریم‌های تجاری یا کنترل‌های صادراتی اضافه کرده است. این درحالی است که چین ماه فوریه گذشته نیز بر واردات زغال‌سنگ و محصولات گاز طبیعی مایع از آمریکا، تعرفه ۱۵ درصدی اعمال کرده بود. این کشور همچنین به‌طور جداگانه تعرفه ۱۰ درصدی بر واردات نفت خام، ماشین‌آلات کشاورزی و خودروهای با موتور بزرگ اضافه کرده است. طبق بیانیه کمیسیون تعرفه شورای دولتی وزارت دارایی چین، تعرفه‌هایی که به تازگی اعلام شده، شامل تمام محصولات ساخت ایالات‌متحده می‌شود.

ترامپ علیه متحدان

اینکه تعرفه‌های اعمال شده از سوی ایالات‌متحده علیه پکن به سطح بالایی افزایش پیدا کرده و اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا رقم آن را ۵۴ درصد اعلام کرده، موضوعی است که در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ به روشنی دیده شد و حتی او پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۲۴ سبیس با ورود به کاخ سفید، آن را نوید داده بود اما موضوع اصلی این است که ترامپ در این دور، نه‌تنها متحدان اروپایی خود بلکه کشورهایمانند ژاپن و کره جنوبی که شرکای استراتژیک ایالات‌متحده در نیمکره‌شرقی و سنگر اول آمریکا برای مقابله با چین به حساب می‌آیند را هم مشمول تعرفه‌های خود کرد.

به عنوان مثال شیگرو ایشیبا، نخست‌وزیر ژاپن در واکنش به تعرفه‌های اعمالی از سوی ترامپ اعلام کرد: «ژاپن، کشوری است که بیشترین سرمایه‌گذاری در آمریکا را دارد، اگر اعمال تعرفه‌های یکسان برای همه کشورها برای واشنگتن منطقی است ما باید در نظر بگیریم که چه چیزی برای منافع ملی ژاپن بهترین است و همه موارد را در نظر می‌گیریم تا موثرترین واکنش را نشان دهیم». در این راستا جولیا اسپایز، رئیس بخش هوش بازار و تجارت در مرکز تجارت بین‌المللی به خبرنگاران در ژنو گفت که «بخش خودرو در ژاپن ۲۰ درصد از کل صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد و اکثر صادرات به بازار آمریکا انجام می‌شود که طبق محاسبات ما، اکنون تعرفه ثابت ۲۵ درصدی



نتانیاهو به واشنگتن می‌رود

آکسیوس به نقل از منابع مطلع اعلام کرد: بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل احتمالاً (دوشنبه) به آمریکا سفر و با رئیس‌جمهور و سایر مقامات ارشد این کشور در کاخ سفید دیدار می‌کند. اگر این سفر طبق برنامه‌ریزی انجام شود، نتانیاهو اولین مقام خارجی خواهد بود که به طور شخصی با ترامپ درباره تعرفه‌ها سخن می‌گوید. احتمالاً آنها درباره پرونده هسته‌ای ایران و جنگ غزه گفت‌وگو می‌کنند.

جنگ تعرفه‌ها

وضع تعرفه‌های جدید توسط ترامپ نه تنها با واکنش متقابل چین روبه‌رو شد بلکه متحدان آسیایی و اروپایی ایالات‌متحده را به فکر اقدام تلافی‌جویانه انداخته است



همان‌گونه که انتظار می‌رفت، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده فهرستی از وضع تعرفه‌های جدید را تأیید و فرمان مرتبط با آن را به امضا رساند و بار دیگر ثابت کرد که او همانند دور نخست ریاست‌جمهوری خود به دنبال آن است تا به هر ترتیب که شده، باز هم حرفش را در چارچوب تفکر تجاری مختص به خود به کرسی بنشاند. بیش از یک ماه پیش بود که او تعرفه‌هایی را علیه چین، کانادا و مکزیک اعمال کرد و بسیاری فکر می‌کردند که این اقدام وی، پایان جنگ تعرفه‌ای است اما ترامپ در همان موقع اعلام کرد که به زودی قرار است، اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای دیگر را هم به این فهرست اضافه کند. حالا این وعده او عملیاتی شده است. ترامپ دوم آوریل ۲۰۲۵ (۱۳ فروردین ۱۴۰۴) درحالی که تمام اعضای دولتش به همراه چندین سناتور و چهره‌های ارشد سیاسی آمریکا مقابل او در باغ رز کاخ سفید نشسته بودند، مراسم اعلام تعرفه‌های جدید بر واردات کالا به ایالات‌متحده آمریکا را پس از بسته شدن بازارهای مالی این کشور آغاز کرد. او در این مراسم و پس از اعلام تعرفه‌ها، اعلام کرد که «از این پس کشورهای خارجی، موظف خواهند شد برای امتیاز دسترسی به بازار آمریکا که بزرگ‌ترین بازار جهان است، هزینه بپردازند. همه روسای جمهور خارجی، نخست‌وزیران، پادشاهان، ملکه‌ها، سفیران و سایر مقامات به زودی با آمریکا تماس خواهند گرفت تا درخواست معافیت از این تعرفه‌ها را مطرح کنند». ترامپ اعلام کرد که تعرفه پایه ۱۰ درصدی بر تمام کالاهای وارداتی و تعرفه‌های متقابلی ازجمله ۳۴ درصد برای کالاهای وارداتی از چین، ۲۰ درصد برای اتحادیه اروپا و ۲۴ درصد برای ژاپن اعمال خواهد شد و این اقدام را «اعلام استقلال اقتصادی آمریکا» توصیف کرد.

چین پاسخ داد!

در این راستا چین با فوریت به این اقدام ایالات‌متحده واکنش نشان داد. پکن (جمعه) اعلام کرد که از ۱۰ آوریل (۲۱ فروردین) تعرفه ۳۴ درصدی بر کالاهای وارداتی از آمریکا اعمال خواهد کرد. تعرفه ۳۴ درصدی آمریکا بر کالاهای چینی علاوه بر تعرفه‌های اعلام شده قبلی علیه این کشور است؛ به این معنی که نرخ کل تعرفه گمرکی کالاهای چینی برای صادرات به آمریکا به دست‌کم ۵۴ درصد افزایش می‌یابد. وزارت بازرگانی چین ضمن اشاره به اقدام تلافی‌جویانه در نظر گرفته شده علیه آمریکا اعلام کرد که در ارتباط با تعرفه‌های تازه ترامپ، شکایتی را به سازمان تجارت جهانی ارائه کرده است. به گزارش یورونیوز، سخنگوی وزارت بازرگانی چین تصریح کرد که «این اقدام نوعی زورگویی یکجانبه است که ثبات نظام اقتصادی و تجاری جهان را به خطر می‌اندازد». پکن افزود که رویکرد تازه واشنگتن «به طور جدی قوانین سازمان تجارت جهانی را نقض می‌کند، به حقوق و منافع مشروع اعضای این سازمان آسیب می‌رساند و نظام تجارت چندجانبه مبتنی بر قوانین و نظم اقتصادی و تجاری بین‌المللی را تضعیف می‌کند».

چین همچنین (جمعه) اعلام کرد که محدودیت‌های بیشتری برای صادرات عناصر کمپاب حیاتی که در محصولاتی مانند تراشه‌های کامپیوتری و باتری‌های خودروهای برقی استفاده می‌شوند، اعمال خواهد کرد. در فهرست مواد معدنی مشمول ایسن محدودیت‌ها، ساماریوم و ترکیبات آن که در صنایع هوافضا و بخش دفاعی استفاده می‌شوند، گنجانده شده است. عنصر دیگری به نام گادولینیوم که به دلیل خواص منحصربه‌فرد خود برای افزایش وضوح تصاویر در

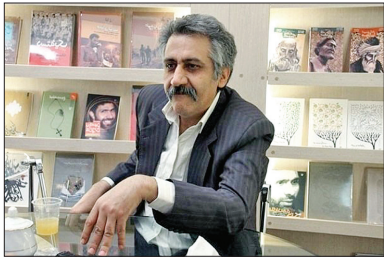
ناخدا نجف

انتشار سه گفت‌وگوی سیروس علی‌نژاد با نجف دریابندری

ادبیات ایران

عیاری‌ورندی نجیبانه

یادی از محمدعلی علومی



محمدعلی علومی اگر ۱۶ اردیبهشت سال گذشته رخت از دنیا نمی‌یست، دیروز ۶۳ ساله می‌شد. او که در کارنامه خود رمان‌های «سوگ مغان»، «آذرستان»، «ظلمات»، «اندوهگرد»، «پریباد»، «داستان‌های غریب مردمان عادی»، «هزار و یک شب نو»، «خانه کوچک» و «عطای پهلوان» را دارد، متولد ۱۶ فروردین سال ۱۳۴۱ بود. در سال ۱۳۵۸ و در ۱۸ سالگی وارد تهران شد و در فضای دانشگاه تهران و دانشکده علوم سیاسی حضور یافت. رمان «آذرستان» این نویسنده سال ۱۳۷۷ کتاب برگزیده سال از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت و رمان طنز «شاهنشاه در کوچه دلگشا» برنده ۳۰ سال رمان طنز ایران شد. علومی که تلخی زلزله‌ی‌م را چشیده بود، سال‌ها نوشت: «بعد از زلزله‌ی‌م، مدتی چیزی نمی‌نوشتم و این نوشته‌ها روی هم جمع شد که همین امر سبب شد در یک سال چند رمان متفاوت نوشته و جمع‌بندی شود که به‌نوعی همه این کتاب‌ها را تحت تأثیر زلزله‌ی‌م نگارش کرده‌ام». منظورش کتاب‌های «ظلمات»، «پریباد» و «در سوگ مغان» بود. البته در سال‌های اخیر هم کم می‌نوشت و می‌گفت: «دورخیز می‌کنم که بنویسم اما تا می‌خواهم شروع کنم دستم به قلم نمی‌رود». او در زمینه‌ی‌م طنز کتاب‌های بسیاری نوشته بود؛ «شاهنشاه در کوچه دلگشا»، «بررسی انواع طنز در خارستان اثر حکیم قاسمی کرمانی»، «طنز و شیوه‌های داستانی در بوستان»، «انواع طنز در گلستان سعدی» و «طنز در دوره‌ی‌م پهلوی با نقد و بررسی آثار طنزنویسان آن زمان»، «وقایع‌نگاری بن‌لادن یا تاریخ عالم آرای طالبان» و «جناب آقای دیو». اما در سال‌های اخیر می‌گفت: «سختی‌های زندگی آنقدر زیاد است که طنز هم دیگر جواب نمی‌دهد و به سختی کسی بتواند بخندد». هرچند گفته بود: «ما طنز را نمی‌شناسیم، بنابراین جک‌های اینترنتی و پیامک‌های جک غیراخلاقی را به حساب طنز می‌بینیم و آثار هستی‌شناسانه را که طنز هستند، طنز محسوب نمی‌کنیم. این نگاه عامه مردم ما به طنز است». او معتقد بود: «طنز با ممیزی جور در نمی‌آید و یک طنزنویس نمی‌تواند در شرایط ممیزی کار کند؛ در دوره‌هایی که محدودیت و ممنوعیت نبود طنزنویسی و طنزنویسان دارای قدرت شدند. در شرایط فعلی و گرانی و تورم زیاد، شسور و نشاطی برای طنزنویسان نمی‌ماند. درصد زیادی از مردم دچار افسردگی شده‌اند و نمی‌دانم آیا می‌خواهند فکری برای این موضوع داشته باشند یا نه؟ می‌دانم افسردگی به حد خطرناکی رسیده و حتی از حد خطرناک هم گذشته است».

علی اصغر شیرزادی، داستان‌نویس و منتقد ادبی در زمان حیات محمدعلی علومی، درباره‌ی‌م گفته بود: «محمدعلی علومی، نه از دیدگاه من و نه با پسند ادبی من، بلکه از دیدگاه وسیع‌تری و متکی بر شناخت نسبی که از کارهای او دارم، نویسنده‌ای یکه و یگانه است. او به هیچ‌وجه اهل روابط عمومی نبوده و نیست و وارد هیچ گروه ادبی مشخصی نشده است؛ کسانی که مدعی کارهای مدرن و احتمالاً پسامدرن هستند، مدتی دور هم جمع شده و بعد پراکنده می‌شدند. محمدعلی علومی شبیه هیچ داستان‌نویسی نیست، خوش‌تن خویش است. می‌شود گفت عیاری و رندی نجیبانه‌ای دارد، ذهنیت و تخیل نیرومند و راهی‌اش در کار که به نظر شگفت‌انگیز است و هیچ پیش‌زمینه و حرکت از پیش اندیشیده‌شده‌ای ندارد، این که به صورت مکانیستی کارها را پیش ببرد. علومی نویسنده‌ای است که در کار بسیار بسیار خنده‌های معصومانه و کودکانه و گریه‌های لرزآور مردانه‌ای دارد». علومی چند سالی بود به «بم» زادگاه خود بازگشته بود و به تنهایی زندگی می‌کرد و ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ در این شهر درگذشت. او در آخرین گفت‌وگویش با ایسنا گفته بود: «در جامعه ادبی‌مان سبک داستان‌نویسی نداریم و کسی که سبک دارد، دچار نفرد روان می‌شود که خیلی هم دردناک است، زیرا از هیچ طرف حمایت نمی‌شود، این نویسنده نه حاضر می‌شود ادبیات دستوری را به کار برد و نه ادبیات تقلیدی برایش جالب توجه است، بنابراین دچار نفرد روانی می‌شود. آدم خوشحال می‌شود در جامعه ادبی باشد اما وقتی می‌گویند نویسنده قرن نوزدهمی هستی، پست‌مدرن نیستی، نویسنده نیستی، آدم ترجیح می‌دهد تنها شود که این تنهایی، تنهایی خوشحال‌کننده‌ای نیست، بلکه سخت و دردناک است».



نجف دریابندری و پدرش/ حدود سال‌های ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ بوشهر

نام نجف دریابندری (۱۳۰۸-۱۳۹۹) بر جلد هر کتابی کتاب‌خوان‌ها را ترغیب به خواندن می‌کند اما اعتبار و شهرت دریابندری محدود به کار ترجمه نیست. او منتقدی قابل اعتنا در عرصه ادبیات و هنر، نویسنده‌ای چیره‌دست و ویراستاری دقیق بود. زندگی او نیز فرازونشیب فراوان داشت، چنان که می‌توان گفت او نه یک زندگی که چند زندگی را زیسته است. کتاب «نجف دریابندری: یک پرتله و سه گفت‌وگو» سیروس علی‌نژاد که نشر کاغذ آن را منتشر کرده را می‌توان شناخت‌نامه‌ای جمع‌وجور برای این مترجم و نویسنده به‌شمار آورد.

گفت‌وگوی اول کتاب معطوف به زندگی نجف از خردسالی تا حوالی میان‌سالی اوست: حال‌وهوای زندگی خانوادگی نجف و پدر ناخداش، ماجرای عضویت در حزب توده و دردسرهای پس از آن، ریشه‌های علاقه‌مندی به ادبیات، شروع یادگیری زبان به‌شکل خودآموز، ترجمه کتاب در زندان، همکاری با مؤسسه فرانکلین و ابراهیم گلستان، حشرونشر با روشنفکران زمان و مطالبی از این دست در این گفت‌وگو مرور خواهند شد. گفت‌وگوی دوم اما معطوف به بحث‌های کم‌وبیش نظری است و می‌توان در آن با دیدگاه‌های کلی دریابندری درباره ادبیات و هنر آشنا شد، از جمله نظرش درباره ادبیات معاصر فارسی و مشخصاً آثار داستانی این دوره. خواننده در گفت‌وگوی سوم از دیدگاه‌های نظری و تجربیات عملی دریابندری در کار ترجمه مطلع خواهد شد. مطالب کتاب را پرتله‌ای از دریابندری (از منظر سیما یاری، یکی از نزدیکان نجف) کامل می‌کند و وجه دیگری از حیات او را به خواننده می‌نمایاند.

سیروس علی‌نژاد به دلیل کار مطبوعاتی در دوره‌های پرتش سیاسی، در بزنگاه‌های تاریخ معاصر حضور داشته و از نزدیک شاهد وقایع مختلفی بوده، از این‌رو در گفت‌وگوهایش با نجف دریابندری بر روی مهم‌ترین مقاطع و رویدادهایی که با زندگی، فعالیت و روابط دریابندری مرتبط بوده متمرکز شده و توانسته اطلاعات و اظهارات قابل توجهی از او دریافت کند.

◀ از آبادان تا فرانکلین

علی‌نژاد گفت‌وگوی اول این کتاب را پاییز ۱۳۸۱ و بعد از سکنه مغزی نجف دریابندری شروع می‌کند که به گفته خودش با صفر تقی‌زاده با انجام این گفت‌وگوها و طرح پرسش‌ها تلاش داشتند به بازپایی حافظه دریابندری کمک کنند و هم او را سرگرم کنند تا بتواند بیماری خود را فراموش کند. دریابندری در این گفت‌وگو می‌گوید پدرش در آبادان با پدر ایرج پارسی‌نژاد رفاقت داشته: «پدرم هر چه پول داشت دست او بود. پدرم هیچ پول سرش نمی‌شد. این‌ها آن زمان خیلی پول درمی‌آوردند. پدر پارسی‌نژاد باعث می‌شود که ما خانه‌ای در آبادان داشته باشیم و الا اگر دست پدرم بود اصلاً نمی‌ساخت». دریابندری درباره تحویشش هم می‌گوید: «من در مدرسه رازی تا سوم دبیرستان درس خواندم، بعدش دیگر درس نخواندم. رفتم شرکت نفت کارمند شدم. بعد البته دوره سه سال بعدی را در کلاس‌های شبانه خواندم اما در امتحان تجدید شدم و دیگر هم امتحان ندادم. شرکت نفت کار می‌کردم و دیگر احتیاجی نداشتم که امتحان بدهم». در ادامه هم درباره چگونگی یادگیری خودآموز انگلیسی می‌گوید: «یک سالی توی اداره کشتیرانی شرکت نفت کار می‌کردم...



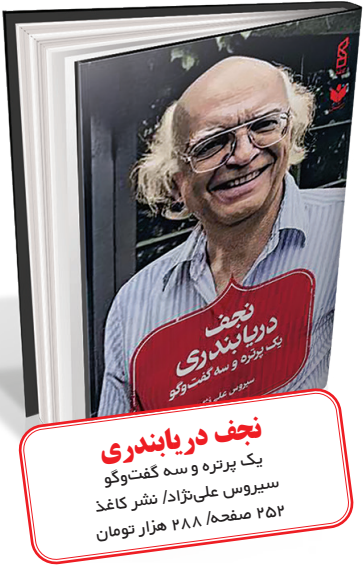
از راست: منوچهر انور، نجف دریابندری، سیروس علی‌نژاد و صفر تقی‌زاده

نوشته به سازمان امنیت که چنین کسی هست و ما می‌خواهیم استخدامش کنیم. از سازمان امنیت هم جوابی آمده بود که استخدامش بلامانع است اما مواظبش باشید... وقتی من به فرانکلین رفتم فتح‌الله مجتبیایی، منوچهر انور و علی اصغر مهاجر آنجا بودند. من از همه کوچک‌تر بودم. جندی مهاجر وردست صنعتی‌زاده شد، انور هم اختلافاتی پیدا کرد و رفت. مجتبیایی هم از آنجا رفت به هند و پاکستان. خلاصه من ماندم آنجا و شدم دبیر موسسه انتشارات فرانکلین. ۱۰-۱۵ سال آنجا کار کردم».

◀ پاسخ به منتقدان

گفت‌وگوی دومی که در این کتاب آمده گفت‌وگویی است که علی‌نژاد با دریابندری برای مجله «آدینه» انجام داده بود. علی‌نژاد در آغاز آن داستان‌ش را روایت می‌کند و می‌گوید: «وقتی در «آبندگان» بودم تا زمان «آدینه»، گفت‌وگوها را به گفت‌وگو‌شونده نشان نمی‌دادم و فکر می‌کردیم در متن گفت‌وگو دست می‌برد و این کار خیلی بدی است. درحالی که بعد از انقلاب، فکر کردم کار درست این است که مصاحبه‌ها را نشان بدهیم، ما که نمی‌خواهیم سرش کلاه بگذاریم. خودش با دقت تمام ببیند، اگر چیزی را نادرست گفته درست کند، یا اگر چیزی را ناقص گفته کامل کند، یا چیزی را که دلش نمی‌خواهد بردارد، چه اشکالی دارد! بنابراین گفت‌وگو را برای نجف بردم تا نشان بدهم، چند صفحه‌ای خواند و گفت اجازه می‌دهید ۴۸ ساعت پیش من بماند؟ گفتم اشکالی ندارد، بماند. ۴۸ ساعت بعد رفتم گفت‌وگو را از نجف بگیرم. اتفاق جالب اینجاست: دیدم تمام نوشته من را کنار گذاشته و خودش نشسته با خودکار آبی روی کاغذهای کاهی همه مصاحبه را از اول نوشته است. خیلی به من برخورد، ما خودمان نویسنده‌ایم و ادعا داریم! از در خانه‌اش که بیرون آمدم فکر کردم اصلاً این مصاحبه را چاپ نمی‌کنم. به مجله که رسیدم گفتم حالا نگاهی کنم، چه اشکالی دارد. نگاه کردم دیدم عجب گفت‌وگویی نوشته، من هرگز بلد نیستم به این خوبی بنویسم. این گفت‌وگو چنان چاپک و خوش‌خوان و منطقی پیش رفته بود که حظ کردم، گفتم برویم پیش نجف یسار بگیریم. این طوری گل من با او گرفت و از آن به بعد با نجف رفت‌وآمد پیدا کردم». به گفته علی‌نژاد این گفت‌وگو بعد از چاپ در «آدینه» بسیار سروصدا برانگیخت صراحت لهجه دریابندری بسیاری از روشنفکران را از زرده‌خاطر کرد اما هیچ‌کس مستقیماً در پی پاسخ به او نرینامد. دریابندری در این گفت‌وگو به منتقدان کارنامه‌اش پاسخ داده و درباره حذف دو فصل از کتاب «قدرت» راسل در چاپ نخست آن و اضافه کردن آن دو فصل در چاپ دوم هم گفته: «باید بگویم نه حذف آن فصل‌ها برای رعایت حال مرحوم استالین بوده (چون مطالب آن‌ها ربطی به استالین ندارد) و نه اضافه شدن آن‌ها به چاپ دوم به این دلیل بوده است که من نظرم درباره آن‌ها عوض شده. حذف آن دو فصل به این دلیل صورت گرفت که من گمان می‌کردم وجود این دو فصل غرض مرا از ترجمه باقی فصل‌ها نقض می‌کند... بعد متوجه شدم که نه اتفاقاً حذف این دو فصل نقض غرض است، چون باعث بدگمانی خوانندگان و بگویمگوی انواع اشخاص مغرض می‌شود». او در این گفت‌وگو درباره هوشنگ پیرنظر و ابراهیم گلستان از «سرگذشت هکلیری فین» مارک تواین و علت ترجمه آن توسط خودش هم سخن گفته است.

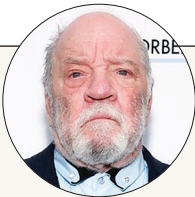
طبعاً من کارمند خوبی نبودم. حواسم دنبال چیزهای دیگری بود. در این ضمن بعد از مدرسه شروع کردم به انگلیسی خواندن. پیش خود انگلیسی یاد گرفتم اما هیچ‌کس باور نمی‌کرد که من انگلیسی بلدم... سینمای شرکت نفت آن موقع فیلم‌های زبان اصلی می‌گذاشت. هر فیلمی را دو سه بار می‌دیدم و مقدار زیادی از بر می‌کردم. داستان انگلیسی خواندن من چیز عجیبی بود. توی مدرسه درس انگلیسی من خوب نبود. تجدید شدم. شاید هم برای تجدیدی شروع کردم به خواندن انگلیسی و بعد دیگر دنبالش را گرفتم... بعد از آنجا [اداره کشتیرانی] مرا منتقل کردند به جایی که اسمش بود «سینما کلاب»، باشگاه ملوانان. آنجا جای جالبی بود. برای این که ملوان‌ها بودند و من بیشتر انگلیسی حرف زدن را آنجا یاد گرفتم». دریابندری مدتی بعد به اداره و انتشارات شرکت نفت می‌رود و با ابراهیم گلستان و محمدعلی موحّد هم کار می‌شود: «در روزنامه آبادان [شرکت نفت] اخبارش را ترجمه می‌کردم و بقیه اوقات هم به مسخره‌بازی ادامه می‌دادم تا این که مرا گرفتند». اما کمتر از ۱۰ روز بعد آزادش می‌کنند ولی مدتی بعد با او رفتن ارتباطش با هم بازداشت می‌شود و ابتدا به اعدام محکوم شد و بعد با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم می‌شود و بعد از یک سال هم به تهران منتقل می‌شود و ۴ سال را در زندان قصر می‌گذراند و در این مدت تاریخ فلسفه غرب برتراند راسل را ترجمه می‌کند. دریابندری بعد از آزادی از زندان به شرکت «گلستان فیلم» می‌رود و به گفته حدود ۸ ماه آنجا کار می‌کند و بعد به انتشارات فرانکلین می‌رود. درباره این مقطع می‌گوید: «مقدار زیادی فیلم ترجمه کردم. دو سه بار به جنوب رفتم. منتها با گلستان اختلاف پیدا کردم. ضمناً موسسه گلستان به نظرم خیلی جدی نیامد. تق‌ولق بود و در عمل معلوم شد که گلستان نقشه‌های دیگری داشته. باز دوباره دنبال کار گشتم. دوباره رفتم پیش پیرنظر. گفتم این گلستان دارد بساطش را جمع می‌کند، خلاصه جای من نیست. بین می‌توانی در شرکت نفت برای من کاری بکنی؛ چون آنجاها آشنا داشت. گفت اصلاً یادم نبود، تو بیا برو فرانکلین؛ من همایون صنعتی‌زاده را می‌شناسم و رفیق من است... رفتم پیش صنعتی‌زاده. او هم گفت که کارها را ببر خانه انجام بده تا من ترتیب کارها را بدهم. چند ماه دیگر رفتم آنجا دیدم نامه‌ای





درگذشت بازیگر و کارگردان هندی

مانوج کومار، بازیگر و فیلمساز هندی که با فیلم‌های ملی‌گرایانه پرشور مانند «اوپکار» و «شرق و غرب» شهرت داشت در بمبئی درگذشت. وی که ۸۷ ساله بود به دلیل عوارض ناشی از سکتة قلبی جان باخت. کومار با بازی در نقش یک مبارز برای آزادی در فیلم «شاهد» به شهرت رسید و سال ۱۹۶۷ با کارگردانی و بازی در فیلم «اوپکار» یا «نفع» برای نقش‌های میهن‌پرستانه تثبیت شد.



شریدر متهم شد

پل شریدر، فیلمنامه‌نویس آثار مشهوری چون «ارننده تاکسی» و «گاؤ خشمگین» متهم شده که دستیار سابق خود را مورد آزار جنسی قرار داده و از پرداخت غرامتی که بر سر آن توافق شده بود، منصرف شده است. زنی ۲۶ ساله با نام مستعار «چین دو» مدعی شده که شریدر در جریان جشنواره فیلم کن سال گذشته، وی را با فریب به اتاق هتل کشانده و مورد آزار جنسی قرار داده است.

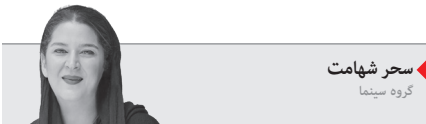


گیبسون اسلحه گرفت

وزارت دادگستری که سال ۲۰۱۱ پس از خشونت خانگی توسط مل گیبسون، حق مالکیت اسلحه را از وی گرفته بود، این حق را دوباره به وی بازگرداند. دادستان کل آمریکا حق داشتن اسلحه را به مل گیبسون و ۹ نفر دیگر بازگرداند. گیبسون که ژانویه در کنار جان وایت و سیلوستر استالونه از سوی ترامپ به عنوان «سفیر ویژه» در هالیوود معرفی شد، دوباره مجاز به داشتن سلاح گرم شد.

تضاد زندگی روزمره با سایه دیکتاتوری

نگاهی به طراحی صحنه من هنوز اینجا هستم



فیلم سینمایی «من هنوز اینجا هستم» ساخته والتر سالس، که در جشنواره ونیز ۲۰۲۴ جایزه بهترین فیلمنامه را دریافت کرد، روایتی زندگی‌نامه‌ای از زندگی اونیس تکشیرا (با بازی فرناندا تورس) در دوران دیکتاتوری نظامی برزیل در دهه ۱۹۷۰ است. در این فیلم فرناندا تورس و فرناندا مونتئنگرو نقش اونیسی پایوا، مادر و فعالی که در جست‌وجوی شوهر گمشده‌اش در دوران دیکتاتوری نظامی برزیل است را بازی می‌کنند. این فیلم پس از اکران در نوامبر ۲۰۲۴ توسط سونی پیکچرز ریلیزینگ اینترنشنال از طرف جناح راست افراطی برزیل مورد تحریم قرار گرفت اما در نهایت با فروش بیش از ۲۹ میلیون دلاری به پرفروش‌ترین فیلم برزیلی از زمان همه‌گیری بیماری کرونا تبدیل شد.

«من هنوز اینجا هستم» نخستین نمایش جهانی خود را سپتامبر ۲۰۲۴ در هشتادویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز تجربه کرد که اکران در این جشنواره با تحسین منتقدان همراه بود. آنها به اتفاق آراء، نقش‌آفرینی فرناندا تورس را ستایش کردند و در نهایت این اثر در جشنواره ونیز برنده جایزه بهترین فیلم‌نامه جشنواره شد. «من هنوز اینجا هستم» در هشتادودومین مراسم گلدن گلوب نامزد بهترین فیلم خارجی‌زبان و برنده بهترین بازیگر زن فیلم درام برای تورس شد. این فیلم در نودوهفتمین دوره جوایز اسکار نامزد جوایز بهترین بازیگر زن (تورس) و بهترین فیلم شد و با کسب جایزه اسکار بهترین فیلم بین‌المللی، نخستین فیلم ساخت برزیل بود که اسکار را به خانه برد.

«من هنوز اینجا هستم» داستان دلخراش ناپدید شدن روینس پایوا در سال ۱۹۷۱ به دست دیکتاتوری نظامی برزیل را از نگاه همسر و فرزندان او روایت می‌کند؛ فیلم ماجرای این خانواده را در تمام سال‌های ناپدید شدن پدر خانواده دنبال می‌کند و تلاش‌های یونیس (فرناندا تورس) همسر روینس را نشان می‌دهد که می‌کوشد برای ادعاهای خود علیه اظهارات پلیس مدرک جمع کند. والترز سالس فیلمساز برزیلی، پایوا را از کودکی می‌شناخته بنابراین گزارش مبتنی بر واقعیت او از مصیبت آنها به طور قابل درکی تحت تاثیر احساسات قرار دارد و از این‌رو کاملاً مستعد آن است که خود فیلمساز تحت تاثیر خاطرات و احساساتش قرار گرفته باشد. اما این به این معنی نیست که او فیلم مستند زندگی‌نامه‌ای درباره این شخصیت ساخته باشد. «من هنوز اینجا هستم» یک درام کامل و کم نقص از زندگی یک فعال سیاسی است که به طور ناگهانی دستگیر و بعد ناپدید می‌شود. هیچ اطلاع موثقی از سرنوشت او به خانواده‌اش داده نمی‌شود و در نهایت پس از دو دهه به همسر و خانواده اعلام می‌کنند که او سال‌ها پیش درگذشته است.

این فیلم بر اساس کتاب خاطرات مارسلو روینس پایوا ساخته شده است. پدر این نویسنده، روینس پایوا نماینده کنگره در میان ۲۰۰۰ نفری بود که در جریان دیکتاتوری نظامی ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ شکنجه شدند. «من هنوز اینجا هستم» از طراحی صحنه به عنوان ابزاری برای بازسازی تاریخ، انتقال حس خفقان سیاسی و بازتاب تحولات درونی

شخصیت‌ها استفاده می‌کند. در این یادداشت نگاهی به تحلیل عناصر بصری طراحی صحنه ازجمله رنگ‌شناسی، چیدمان فضا، نورپردازی و نمادگرایی خواهیم داشت و ارتباط این عناصر با روایت را بررسی می‌کنیم.

◀ بازسازی تاریخی: ریودوآنیرو ۱۹۷۰

طراحی صحنه فیلم با بازسازی دقیق ریودوآنیروی دهه ۱۹۷۰ آغاز می‌شود. دیوید رونی در «هالیوود ریپورتر» اشاره می‌کند که سالس از لوکیشن‌های واقعی و دکورهای بازسازی شده، استفاده کرده تا حس اصالت را منتقل کند. در واقع خانه تکشیرا، که قلب فیلم محسوب می‌شود، با مبلمان چوبی تیره، رادیوهای قدیمی با آنتن‌های بلند و پارچه‌های گل‌دار دهه ۷۰ طراحی شده است. این جزئیات که در گزارش «اسکرین دیلی» به عنوان «بازتاب زندگی طبقه متوسط برزیل» توصیف شدند نه‌تنها تاریخ را زنده می‌کنند بلکه زمینه‌ای برای درک فشارهای اجتماعی و سیاسی فراهم کرده‌اند. ماشین‌های کلاسیک در خیابان‌ها و پوستریهای رنگ‌ورو رفته هم به این حس تاریخی عمق می‌دهند و تضاد بین زندگی روزمره و سایه دیکتاتوری را به تصویر می‌کشند. رنگ‌شناسی در طراحی صحنه این فیلم نقش مهمی در انتقال حالات روایی دارد. در سکانس‌های اولیه، که خانواده هنوز کامل است و پدر و مادر دستگیر نشده‌اند، پالت رنگی گرم با تن‌های قهوه‌ای، نارنجی و زرد غالب است. این رنگ‌ها «حس نوستالژی و گرمای خانوادگی» را القا می‌کنند. اما پس از ناپدید شدن روینس، پالت رنگی به سمت خاکستری، آبی سرد و سایه‌های تیره تغییر می‌کند. این تحول که در خانه تکشیرا با بسته شدن پرده‌ها و کم شدن نور طبیعی همراه است «فروپاشی تدریجی زندگی اونیس رو به تصویر می‌کشد». این تغییر رنگ نه تنها یک انتخاب بصری است بلکه به شکلی روان‌شناختی حس از دست دادن و انزوا را تقویت می‌کند.

چیدمان فضا در خانه تکشیرا با دقت طراحی شده تا حس خفقان و محدودیت را منتقل کند. در سکانس‌های اولیه، اتاق‌ها باز و پر از وسایل زندگی روزمره‌اند، مین ناهارخوری با صندلی‌های شلوغ، قفسه‌های پر از کتاب و اسباب‌بازی‌های بچه‌ها. اما پس از ورود ماموران نظامی که دیوید رونی در «هالیوود ریپورتر» آن را «ورود شرم‌آور به حریم خصوصی» می‌نامد، فضا تنگ‌تر به نظر می‌آید. اشیاء کنار زده می‌شوند،



مبل‌ها جابه‌جا شده و خانه به یک فضای نیمه‌خالی تبدیل می‌شود. این تغییر چیدمان، که با زاویه‌های بسته‌تر دوربین همراه شده، حس محاصره شدن خانواده را به مخاطب منتقل می‌کند و به شکلی بصری نشان می‌دهد که چطور دیکتاتوری زندگی‌شان را مختل کرده است.

◀ عمق دادن به روایت با استفاده از یک شاهکار بصری

نورپردازی در «من هنوز اینجا هستم» یک ابزار کلیدی برای روایت بصری است. در سکانس‌های پرانرژی و شاد اولیه، نور خورشید از پنجره‌های بزرگ وارد شده و سایه‌های نرم ایجاد می‌کند که «ایک حس امنیت کاذب را می‌سازد». اما پس از ناپدید شدن روینس، نور طبیعی جای خودش را به لامپ‌های زرد کم‌جان می‌دهد. این تغییر، که به‌عنوان «بازتاب افسردگی اونیس» به تصور درمی‌آید، با سایه‌های بلند و کنتراست بالا همراه است که حس تعلیق و ترس را تقویت می‌کند. در سکانس ساحل کوپاکایانا، نور غروب با رنگ‌های سرد تضاد جالبی با گرمای از دست رفته زندگی اونیس ایجاد می‌کند.

طراحی صحنه پر از نمادهایی است که به عمق روایت کمک می‌کند. ساعت دیواری متوقف شده در خانه، که در نقد «هالیوود ریپورتر» به آن اشاره شده، نمادی از توقف زمان برای اونیس است. پنجره‌های بسته، که بارها تصویر آنها در فیلم تکرار می‌شوند، حس زندانی شدن را القا می‌کند. در سکانس ساحل «ورایتی» آن را «یک لحظه تنفس کوتاه در خفقان» می‌نامد، شن‌های خالی و امواج آرام، نشان‌دهنده تنهایی اونیس در جست‌وجوی حقیقت‌اند. این نمادها، که به دقت در دکور و لوکیشن‌ها گنجانده شدند، به مخاطب اجازه می‌دهد لایه‌های پنهان داستان را کشف کند.

طراحی صحنه در «من هنوز اینجا هستم» یک شاهکار بصری است که تاریخ، احساسات و مضامین سیاسی را به هم گره می‌زند. از بازسازی دقیق دهه ۱۹۷۰ گرفته تا استفاده هوشمندانه از رنگ، نور و چیدمان، این عنصر به روایت عمق می‌دهد و تجربه‌ای چندلایه خلق می‌کند. والتر سالس با تکیه بر اصالت و نمادگرایی، نشان می‌دهد که طراحی صحنه فقط پس‌زمینه نیست بلکه بخشی از زبان فیلم است. این فیلم، که در ونیز ۲۰۲۴ مورد تحسین قرار گرفت، شایستگی خود را به عنوان یک اثر برجسته اثبات می‌کند.

گزارش تلویزیون

تولید سریال‌های کارگاه علوی و چمران

رئیس مرکز سیمافیلم از تولید سریال‌های تازه در تلویزیون خبر داد

رئیس مرکز سیمافیلم با بیان اینکه آنتن سیمافیلم تا پایان سال ۱۴۰۴ پر شده است، مطرح کرد: از مرحله دغدغه کمیت سریال‌ها عبور کرده‌ایم و برنامه‌ریزی‌های انجام شده سبب شده تولیدات سیمافیلم بیش از گذشته به سوی افزایش کیفیت حرکت کنند.

با اینکه رئیس مرکز سیمافیلم بر افزایش کیفیت مجموعه‌های تلویزیونی تأکید دارد اما در عمل هیچ نشانه‌ای از این افزایش دیده نمی‌شود و حتی سریال «پایتخت» هم که درحال حاضر روی آنتن است و توانسته بخش زیادی از مخاطبان را به تلویزیون بازگرداند از کیفیت بالایی برخوردار نیست و مورد انتقاد بسیاری هم قرار گرفته است.

مهدی تقویان، رئیس مرکز سیمافیلم درباره تحقق اهداف این مرکز در سال ۱۴۰۳ و ساخت مجموعه‌های تلویزیونی در این مدت، گفت: دغدغه ما در سال قبل، کمیت بود و می‌خواستیم تعداد سریال‌ها را به استاندارد مطلوب خود در تلویزیون برسانیم. از انتهای سال ۱۴۰۲ و تمام سال ۱۴۰۳ دیگر بحران کمیت مجموعه‌های تلویزیونی را نداشتیم.

این درحالی است که سریال‌هایی که در سال گذشته روی آنتن تلویزیون رفتن به جز دو سه مورد نتوانستند مخاطب زیادی را به خود جلب کنند و تماشاگران تلویزیونی هم ترغیب به تعقیب این مجموعه‌ها نشدند.

به گفته تقویان، فصل دوم سریال‌هایی مانند «مهیار عیار ۲»، «طوبی ۲» و ... در دست تولید است و سریال‌های «کارآگاه علوی ۳» و «بهترین تابستان من ۲» نیز قرار است در سال ۱۴۰۴ روی آنتن بروند.

رئیس مرکز سیمافیلم با بیان اینکه احمد نجفی قرار است در «کارآگاه علوی ۳» بازی کند، تأکید کرد: قصه این سریال به‌روز شده است؛ اصولاً احیای تولیداتی که بیش از یک دهه از ساخت فصل قبلی آن گذشته کار آسانی نیست؛ چراکه ممکن است برخی بازیگران در قید حیات نباشند، یا به هر دلیلی امکان همکاری با بازیگر به وجود نیاید. از این‌رو معمولاً در چنین مواردی پیش از نوشتن قصه، شرایطسنجی می‌شود و متناسب با امکاناتی که اکنون وجود دارد، فصل تازه‌ای از یک مجموعه شاخص قدیمی را می‌نویسند.

رئیس مرکز سیمافیلم درباره تشکیل گروه کودک‌ونوجوان در سیمافیلم نیز بیان کرد: مدتی است که این موضوع به ما ابلاغ شده و ما در زیرگروه‌های سیمافیلم، گروه کودک‌ونوجوان را افزوده‌ایم و به نظرم این یک خبر خوشحال‌کننده است و نشان می‌دهد که در تولید مجموعه‌های تلویزیونی به این گروه سنی توجه ویژه‌ای شده است.

تقویان درباره تولیدات گروه طنز سیمافیلم و ویژه‌های تلویزیونی آن همچنین انتقاداتی که نسبت به عدم رونق این تولیدات مطرح می‌شود، توضیح داد: طنزهای ۹۰ قسمتی در دهه‌های مختلف با فرازونشیب‌هایی تولید می‌شد. قبول داریم که اکنون طنزهای ۹۰ قسمتی یا تولید نمی‌شود یا تولید آن کم شده؛ اما همین حالا یکی از هنرمندان مطرح حوزه طنز کشور با نگاه تولید مجموعه طنز ۹۰ قسمتی درحال همکاری با سیمافیلم است. سیمافیلم برای فصل اول این مجموعه قراردادی با هنرمند مذکور منعقد کرده و اتفاقاً فیلمنامه درجه یکی هم دارد. با این حال فکر می‌کنم هر چندتر به این مساله تمرکز کنیم، باز هم نسبت به نیاز جامعه کم است.

وی با اشاره به آغاز پخش سریال «سلمان» گفت: یکی از تولیدات الف ویژه سیمافیلم، «سلمان» است و سه فصل دارد. فیلم‌پرداری یکی از فصل‌ها کامل به پایان رسیده و فیلم‌پرداری فصل دیگر آن تا پایان ۱۴۰۴ تمام می‌شود. زمانی که این دو فصل به پایان برسند، فصل سوم که مربوط به حجاز است، باقی می‌ماند که برنامه‌ریزی کرده‌ایم با پایان فیلم‌پرداری دو فصل، سریال را هم‌زمان با فیلم‌پرداری فصل سوم، روانه آنتن کنیم. به گفته تقویان، سریال الف ویژه «چمران» که مربوط به تاریخ معاصر است در مرحله نگارش فیلمنامه قرار گرفته، «پوریای ولی» در مرحله صفری پیش‌تولید قرار دارد و سریال الف ویژه حضرت معصومه (س) به مرحله پیش‌تولید رسیده است. تقویان درباره تعامل هنرمندان با سازمان صداوسیما نیز اظهار کرد: پس از وقایع ۱۴۰۱ در کشور، عرصه تولیدات تحت‌الشعاع قرار گرفت و هجمه غیرمنصفانه در این حوزه زیاد بود. اختلال‌هایی در بخش‌های مختلف فرهنگی کشور ایجاد شد که شامل سریال‌سازی در تلویزیون هم می‌شد. اما همیشه تعامل سازنده و مثبتی با هنرمندان داشته‌ایم. تعامل دوطرفه بین صداوسیما و هنرمندان وجود دارد و در سازمان روی هنرمندان بسته نیست و تعامل با هنرمندان در سطح بالایی برقرار است.



سال هشتم شماره ۱۹۳۶
یک‌شنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴

توسعه

تحلیل تحولات اقتصادی

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

افول حکمرانی

آب چگونه به ابرچالش تبدیل شد؟

سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

آب از دیرباز نقش حیاتی و بسیار مهمی را در تاریخ زندگی انسان ایفا کرده است. از یکجا نشین‌شدن انسان‌ها و شکل‌گیری تمدن‌ها حول آبراهه‌های اصلی و بزرگ جهان می‌توان اهمیت انکارنشدنی آن را دریافت. هرچه زمان گذشت و بعد از انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی، سرعت رشد نیاز به آب و منابع طبیعی بسیار بیشتر از نرخ تجدید آنها بود. می‌توان دو عامل رشد تکنولوژی و افزایش جمعیت را به‌عنوان مهم‌ترین دلایل این پیشی گرفتن نیاز نسبت به بازیابی منابع دانست. رشد تکنولوژی سرعت برداشت و افزایش جمعیت نیز نیاز مطلق به آب و منابع طبیعی را افزایش داد. همزمان با گسترش جوامع و افزایش نیازها، منابع طبیعی محدودیت‌های خود را بیش‌ازپیش به روی انسان نمایان کرد. نکته قابل توجه عدم توزیع یکنواخت این منابع آبی در همه مناطق است که نزدیک‌تر شدن به کمبود مشهود این منابع در بسیاری از نقاط جهان، بسیاری از فعالان محیط زیست را بر آن داشته تا «جنگ آب» را به‌عنوان بزرگ‌ترین ترازع جهان پیش‌رو نام ببرند. در همین شرایط، در کشور ما نیز منابع آبی مناسبی وجود داشت که به صورت غیریکنواخت در کشور توزیع شده بود. این توزیع غیریکنواخت در کنار توسعه شهرهای بزرگ در نقاط کم‌آب‌تر باعث شد تا دولت‌های مختلف پروژه‌های انتقال آب را در کشور دنبال کنند. از پروژه‌های عملی نشده انتقال آب خزر به کویر، یا اتصال دریای خزر به خلیج‌فارس تا پروژه‌های انجام‌شده انتقال آب کوهرنگ همه در راستای جبران این توزیع نامتوازن مطرح شده است. اما بسیاری از این پروژه‌ها بدون بررسی‌های لازم و با انگیزه‌هایی غیر از بهیگی تخصیص منابع صورت گرفته و باعث شده تا نیازهای موجود در شهرها نیز به عدم توازن تخصیص منابع آب دامن بزنند. گسترش نامتوازن صنایع در کشور موید این مساله است که مکان‌یابی‌های صورت‌گرفته توسط سیاست‌گذار که تصمیم‌گیر اصلی فضای صنعتی کشور بوده است، بدون توجه به اولویت‌های زیست‌محیطی انجام شده است؛ حاصل این موارد در کنار به تعویق انداختن اصلاحات مورد نیاز برای جبران تبعات منفی سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده، باعث شده تا در زمینه محیط زیست و به‌ویژه آب، در آستانه بحران‌های بسیار بزرگ قرار گیریم. این وضعیت، نمتها تعادل اکولوژیکی مناطق مختلف را به مخاطره انداخته، بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای را نیز به دنبال داشته است.

یکی از بارزترین نتایج این رویکرد، تشدید تنش‌های منطقه‌ای بر سر منابع آبی است که نمونه آن را در اختلافات میان یزد و اصفهان شاهد هستیم. تمرکز صنایع آب‌بر، مانند فولاد و پتروشیمی، در مناطقی که از نظر منابع آبی شکننده هستند، فشار مضاعفی بر اکوسیستم‌های محلی وارد کرده و ظرفیت تاب‌آوری آنها را به حداقل رسانده است. برای مثال، در اصفهان، توسعه ذوب‌آهن و صنایع وابسته بدون ارزیابی دقیق از توان تامین آب زاینده‌رود، این رودخانه را که زمانی شریان حیاتی منطقه بود، به وضعیتی بحرانی سوق داده است. در یزد نیز، گسترش صنایع معدنی و کاشی‌سازی، با وجود محدودیت‌های آبی شدید، به افزایش وابستگی به منابع انتقالی منجر شده و تعارضات با مناطق هم‌جوار را تشدید کرده است. علاوه بر این، آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های صنعتی، ازجمله پساب‌های شیمیایی و گردوغبار معادن، سلامت عمومی و کشاورزی را در این مناطق تهدید می‌کند. در اصفهان، گزارش‌هایی از افزایش بیماری‌های تنفسی و کاهش کیفیت خاک کشاورزی به دلیل آلودگی‌های صنعتی منتشر شده است. در یزد نیز، بهره‌برداری بی‌رویه از معادن، تخریب پوشش گیاهی و فرسایش خاک را به دنبال داشته که اثرات بلندمدت آن بر زندگی ساکنان منطقه غیرقابل‌انکار است. این ناهماهنگی در سیاست‌گذاری صنعتی، ریشه در فقدان یک برنامه جامع و پایدار دارد که توسعه اقتصادی را با حفاظت از منابع طبیعی هم‌راستا کند. تصمیم‌گیری‌های متمرکز و کوتاه‌مدت، بدون مشارکت جوامع محلی و کارشناسان زیست‌محیطی، به نادیده گرفتن ظرفیت‌های واقعی هر منطقه منجر شده است. به تعویق افتادن اصلاحاتی نظیر به‌روزرسانی فناوری‌های صنعتی برای کاهش مصرف آب، توسعه منابع جایگزین مانند آب‌شیرین‌کن‌ها و بازنگری در مکان‌یابی صنایع، این بحران را عمیق‌تر کرده است.

در این میان، ضرورت بازنگری اساسی در رویکردهای توسعه صنعتی بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. در نهایت، اگر این روند اصلاحی آغاز نشود، کشور نمتها با بحران‌های زیست‌محیطی، بلکه با چالش‌های بزرگ‌تر اقتصادی و امنیتی مواجه خواهد شد. یزد و اصفهان، به‌عنوان قطب‌های صنعتی، می‌توانند الگویی برای توسعه پایدار باشند، به شرط آنکه سیاست‌گذاران از تجربه‌های گذشته درس بگیرند و اولویت را به حفظ تعادل زیست‌بوم و تامین نیازهای نسل‌های آینده اختصاص دهند. در غیر این صورت، هزینه‌های جبران‌ناپذیر این غفلت، دامن‌گیر کل کشور خواهد شد.



درصد

مالیات بر ارزش افزوده

اتفاق اصناف ایران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مالیات بر ارزش‌افزوده طلا و جواهر به ۱۰ درصد رسیده است. اتفاق اصناف به فروشندگان طلا، جواهر و پلاتین اعلام کرد که براساس دستور سازمان امور مالیاتی، از ابتدای سال ۱۴۰۴، نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده برای اجرت ساخت، سود و حق‌العمل مربوط به فروش طلا، جواهر و پلاتین، مشابه سایر کالاها و خدمات مشمول قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، ۱۰ درصد خواهد بود.

ادامه تیتیر یک

حکمرانی غلط آب

ریشه تنش

یزد و اصفهان دو شهر صنعتی ایران هستند. اصفهان با تولید فولاد، پتروشیمی و صنایع سنگین، به‌عنوان قلب صنعتی ایران شناخته می‌شود. بیش از ۹ هزار واحد صنعتی فعال در این استان وجود دارد که همه نیاز به آب دارند. یزد نیز با تمرکز بر صنایع معدنی (فولاد، کاشی و سرامیک) و نساجی، به قطب صادرات غیرنفتی تبدیل شده است. تاسیس کارخانه‌های بزرگ فولاد مانند فولاد آلیاژی یزد و فولاد یزد، این استان را به یکی از تولیدکنندگان مهم فولاد تبدیل کرد. همچنین، صنعت کاشی و سرامیک یزد با بیش از ۵۰ درصد تولید کل کشور، جایگاه ویژه‌ای در بازارهای داخلی و صادراتی دارد. این درحالی است که اصولاً این دو استان مناسب فعالیت‌های صنعتی نیستند و هر دو باید در زمینه گردشگری تقویت می‌شدند. با توجه به شرایط جغرافیایی، اقلیمی و مدیریت منابع آب در ایران، شهرها و مناطقی که ممکن است در معرض نزاع‌هایی شبیه به یزد و اصفهان قرار گیرند، شمارشان کم نیست.

عواملی که این شهرها را در معرض چنین نزاع‌هایی قرار می‌دهد شامل کاهش بارندگی، مدیریت ناکارآمد منابع آب، افزایش جمعیت و تقاضای کشاورزی و نبود جایگزین‌های پایدار برای معیشت جوامع محلی است. این تنش‌ها معمولاً زمانی تشدید می‌شوند که پروژه‌های انتقال آب بدون توجه به نیازهای حوضه‌های مبدأ اجرا شوند، مشابه آنچه بین یزد و اصفهان رخ داده است. با این حال، شدت و وقوع این نزاع‌ها به سیاست‌های مدیریت آب و همکاری بین‌منطقه‌ای بستگی دارد. به عقیده اقتصاددانان ردیای ۶ خطای فاحش در وقایع اخیر اصفهان و یزد دیده می‌شود: **خطای اول:** بر هم زدن نظم و ساختار مالکیت آب در کشور است که در چند مرحله و با تصویب چند قانون زیان‌بار صورت گرفته است. بزرگ‌ترین خطا با «اصلاحات ارضی» و «ملی کردن آب» آغاز شد. اصلاحات ارضی، زمین‌های بزرگ را به زمین‌های کوچک تقسیم کرد و انگیزه سرمایه‌گذاری و بهره‌وری را تضعیف کرد و قانون ملی شدن آب باعث شد سیستم مالکیت خصوصی از بین برود و نتیجه این شد که حاکمیت خصوصی آرام‌آرام از بین رفت.

پس از انقلاب با تصویب «قانون توزیع عادلانه آب» بر عمق و گستره خطاهای قبلی افزوده شد. این قوانین مالکیت انحصاری منابع آب توسط دولت را تحکیم بخشیدند و مالکیت خصوصی را از بین بردند. به این ترتیب، دولت مالک بلامنزاع آب در ایران شد، درحالی که نه میرآب عادل بود و نه توان نظارت بر توزیع آن را داشت.

این خطا باعث شکل‌گیری «تراژدی منابع مشترک» شد. در



هزارواحد

ریزش بازار سهام

در روزی که شاخص کل بورس تهران برای پنجمین بار در ۶ ماه اخیر کانال ۲/۸ میلیون‌واحدی را از دست داد، شاخص هم‌وزن رشدی ۰/۳ درصدی را به ثبت رساند. ریزش ۱۵ هزارواحدی شاخص کل افت ۰/۵ درصدی را برای این نماگر به ثبت رساند و پس از بسته شدن بورس تهران، شاخص کل مجدداً با از دست دادن کانال ۲/۸ میلیون‌واحدی در سطح ۲ میلیون و ۷۹۵ هزارواحدی جا خوش کرد.

ادبیات اقتصادی، منابعی مانند آب که به صورت اشتراکی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، همواره در معرض تهدیدی به نام «تراژدی منابع مشترک» قرار دارند. معمولاً منابع مشترک از آب شیرین گرفته تا مراتع، جنگل‌ها و حتی ماهیان آب‌های آزاد با مشکل تاراج عمومی مواجه می‌شوند. چون قاعده این نیست که هرکس به اندازه بهره‌برداری کند، برنده است. برنده کسی است که بیشتر بهره‌برداری کند.

خطای دوم: یک خطای فکری و یک راهبرد خطا بود که به‌خصوص در سال‌های پس از انقلاب منجر به شکل‌گیری ابرچالش آب و محیط زیست شد. سیاستمداران گمان کردند «عدالت» یعنی مصرف رایگان یا ارزان دولتی. این راهبرد غلط که منجر به عرضه مجانی یا بسیار ارزان آب شده، در کنار سیاست‌هایی که مصرف بالای انرژی را به دنبال دارد، «ابرچالش آب و محیط زیست» را به وجود آورد. جنس **خطای سوم** نیز فکری است که به یک راهبرد غلط در حکمرانی اقتصادی کشور بدل شده است. سیاستمداران ما در این اندیشه‌اند که ایران را به کشوری مستقل و خودکفا تبدیل کنند که هرچه نیاز دارد، خودش تولید کند و ارتباط معناداری با جهان بیرون نداشته باشد. این تفکر به‌خصوص به حوزه کشاورزی نمود زیادی داشته و فشار بر ذخایر اندک و ارزشمند آب را تشدید کرده و وضعیت فعلی را رقم زده است.

خطای چهارم را «سیاستمداران زبیل» رقم زدند که با نفوذ در دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و از طریق رد کنترل گرفتن فرایند سیاست‌گذاری، تلاش کردند انواع رانت را به سمت حوزه‌های انتخابیه خود هدایت کنند. احداث کارخانه‌های بزرگ و نیازمند آب فراوان در اصفهان و یزد که قاعداً باید در جوار دریا یا مناطق پرآب ساخته می‌شد بزرگ‌ترین خطای سیاستمداران زبیل بوده است. بنیان **خطای پنجم** زمانی گذاشته شد که خرید تضمینی محصولات کشاورزی در دستور کار سیاست‌گذار قرار گرفت. خرید تضمینی محصولات کشاورزی ضمن اینکه منجر به افول بهره‌وری در بخش کشاورزی شد، کاشت محصولات آب‌بر را تشویق کرد. این سیاست باعث شد کاشت محصولات سیاسی که مناسب اقلیم خشک ایران نیستند، گسترش پیدا کند.

و **خطای ششم** در دهه ۸۰ صورت گرفت که در مدت‌زمانی کوتاه تعداد زیادی چاه در کشور حفر شد. آمارهای سازمان بازرسی نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۲ بیش از ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیر مجاز در کشور حفر شده است، درحالی که از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۴ تنها ۱۰۰ هزار حلقه چاه غیر مجاز شناسایی شده بود.

مواردی که شرح داده شد در کنار دیگر مواردی که از حوصله این نوشته خارج است، ابرچالشی به نام آب و محیط زیست را به وجود آورده‌اند. سال‌هاست درباره عواقب و عوارض این ابرچالش که نسبت به سایر ابرچالش‌های اقتصاد ایران برای مردم ملموس‌تر است، هشدار داده می‌شود. اینکه چرا سیاست‌گذار به توصیه‌ها عمل نمی‌کند معمای است که ذهن دوست‌داران ایران را به خود مشغول کرده است.

نوبت اول

آگهی اعلان نظریه کمیسیون تشخیص ماده ۱۲ قانون زمین شهری

کمیسیون تشخیص موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری در استان کردستان به موجب نظریه های مندرج در جدول ذیل **دایر ساختمانی (د-۱-ر-س-۱-خ-ت-م-ا-ن-ی)** اعلام نموده است، لذا با توجه به عدم دسترسی به مالکین و به استناد مصوبه مورخ ۱/۱۲۳/۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مراتب در دو نوبت و به فاصله ده روز به اطلاع مالکین و صاحبان حقوق قانونی می رساند. در صورت اعتراض به نظریه صادره اعتراض خود را حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی به مراجع صالحه قضایی تقدیم دارند در صورت عدم اعتراض در فرجه زمانی یاد شده نظریه صادره قطعی است.

شماره رأی	نوعیت	تاریخ	محل وقوع	مساحت (متر مربع)	پلاک ثبتی	Y	X	نقاط
						۳۹۰۴۴۶۷	۶۷۸۸۶۰	۱
						۳۹۰۴۵۲۲	۶۷۸۹۱۴	۲
						۳۹۰۴۴۷۵	۶۷۸۹۸۶	۳
۳۶۶۱۰	دایر ساختمانی	۱۴۰۳/۱۲/۱۳	شهرستان سنندج	۹۱۱۹/۱۷	واقع در قسمتی از پلاک ثبتی ۴ اصلی بخش ۱۰	۳۹۰۴۳۷۲	۶۷۸۹۲۰	۴

م الف ۵۶۵۴

هیوا محمدی بهرام — سرپرست معاونت املاک و حقوقی



گزارش اجتماعی

به بهای جان

پاکبانان قربانیان خاموش خیابان‌ها هستند

پاکبان‌های شهری به‌عنوان یکی از ستون‌های اساسی در حفظ نظافت و زیبایی شهر، نقشی بسیار حیاتی ایفا می‌کنند. متأسفانه شرایط کاری این قشر ارزشمند به‌ویژه در پایتخت، همواره در معرض خطرات جدی ناشی از تخلفات رانندگی و سرعت‌های بالا قرار دارد. در حادثه‌ای تلخ که در تاریخ ۱۹ اسفند در خیابان تهرانسر رخ داد، یک پاکبان جان خود را از دست داد؛ حادثه‌ای که نشان‌دهنده ضعف سیستم‌های حفاظتی و نارسایی‌های اجرایی در حوزه ایمنی است. با بررسی آمارهای موجود طی ۱۱ ماه گذشته (از اردیبهشت ۱۴۰۳) مشخص شده است که این حادثه دهمین مورد فوت پاکبان‌ها در کشور به‌شمار می‌آید. علل اصلی این تراژدی‌ها شامل سرعت غیرمطمئن و بی‌توجهی به قوانین ترافیکی از سوی رانندگان همچنین استفاده از نیروی انسانی در مناطق خطرناک نظیر بزرگراه‌هاست. درحالی که برخی پیمانکاران اقدام به تامین لباس‌ها و تجهیزات ایمنی کرده‌اند اما هنوز جای تعویض نیروی انسانی با فناوری‌های نوین در عملیات نظافتی به‌ویژه در محیط‌های پرتردد و مخاطره‌آمیز احساس می‌شود. ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران در مصاحبه‌ای با ایسنا تأکید کرد: «با وجود تلاش‌هایی که در جهت تامین تجهیزات حفاظتی صورت می‌گیرد، استفاده از نیروی انسانی در مناطق خطرناک همچنان ادامه دارد. این درحالی است که بهره‌گیری از ماشین‌آلات نظافتی پیشرفته می‌تواند ایمنی پاکبان‌ها را به طرز چشمگیری افزایش دهد». او همچنین به افزایش سرعت‌های خطرناک خودروها به‌ویژه در زمان‌هایی که پاکبان‌ها در حال انجام وظیفه هستند، اشاره و خاطرنشان کرد که تعدادی از تصادفات منجر به فوت پاکبان‌ها شده است. از این‌رو، ضرورت بازنگری در شیوه‌های نظافتی و افزایش نظارت شهرداری بر پیمانکاران بیش از پیش آشکار می‌شود.

ضرورت تحول در تجهیزات

استفاده از ماشین‌آلات نظافتی مدرن نه‌تنها می‌تواند موجب کاهش ریسک‌های ناشی از تصادفات شود بلکه از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه است. استفاده از فناوری‌های نوین در پاکسازی مناطق بزرگراهی و شلوغ علاوه بر افزایش کارایی موجب کاهش هزینه‌های ناشی از حوادث و جبران خسارات وارده به شهرداری می‌شود. از سوی دیگر، جایگزینی نیروی انسانی در بخش‌های مخاطره‌آمیز به حفظ جان افراد کمک شایانی خواهد کرد. علاوه بر این، اجرای نظارت دقیق‌تر بر پیمانکاران و اعمال قوانین سخت‌گیرانه‌تر درخصوص رعایت نکات ایمنی از الزامات ضروری محسوب می‌شود. شهرداری‌ها با تدوین و اجرای مقررات جامع، می‌توانند شرایط کاری پاکبان‌ها را بهبود بخشیده و از وقوع حوادث مشابه در آینده جلوگیری کنند. این امر مستلزم همکاری نزدیک میان نهادهای دولتی، پیمانکاران و رانندگان است تا همگان از اهمیت ایمنی در کار، آگاه شده و در جهت ایجاد محیطی امن‌تر تلاش کنند. حادثه اخیر در خیابان تهرانسر تنها یک رویداد منفرد نیست؛ بلکه بخشی از یک روند نگران‌کننده است که تأثیرات عمیقی بر جامعه دارد. از یک‌سو از دست رفتن جان پاکبان‌ها به معنای از دست دادن عاملی حیاتی در حفظ زیبایی و نظم شهری است؛ از سوی دیگر، هزینه‌های جبران خسارات و پرداخت غرامت‌های ناشی از این حوادث، بودجه شهرداری‌ها را به‌شدت تحت فشار قرار می‌دهد. بنابراین بهبود شرایط کاری پاکبان‌ها از منظر انسانی و اقتصادی، امری اجتناب‌ناپذیر است. تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهد که کاهش حوادث مرگبار و بهبود ایمنی در عملیات نظافتی در بلندمدت می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های ناشی از تصادفات و افزایش بهره‌وری در ارائه خدمات شهری شود. همچنین ایجاد آگاهی عمومی در میان شهروندان و رانندگان نسبت به رعایت قوانین ترافیکی به‌ویژه در مناطقی که فعالیت پاکبان‌ها انجام می‌شود، نقش کلیدی در کاهش این معضل ایفا می‌کند. حادثه تلخ در خیابان تهرانسر بازتابی از معضلات موجود در سیستم‌های اجرایی و ایمنی حوزه نظافت شهری است. با وجود اهمیت بالای پاکبان‌ها در ایجاد زیبایی و بهداشت شهری، شرایط کاری آنها همچنان با چالش‌های فراوانی مواجه است. در این میان، استفاده از فناوری‌های نوین، تقویت نظارت شهرداری و افزایش آگاهی عمومی ازجمله راهکارهایی هستند که می‌توانند، زمینه‌ساز کاهش معضل حوادث و ارتقای ایمنی پاکبان‌ها شوند. در نهایت ایجاد یک سیستم جامع و هماهنگ که در آن تمامی ذی‌نفعان- ازجمله نهادهای دولتی، پیمانکاران و جامعه- با همدیگر همکاری کنند، می‌تواند به ایجاد محیطی امن‌تر و کارآمدتر برای پاکبان‌های شهری بینجامد. با این رویکرد نه‌تنها از جان این قشر محترم محافظت می‌شود بلکه می‌توانیم بهبود کیفیت خدمات شهری و افزایش رضایت عمومی را نیز شاهد باشیم. امید است با اجرای اصلاحات لازم و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه شاهد تغییرات مثبت و کاهش چشمگیر حوادث در سال‌های آتی باشیم.

کاهش ۳۸ درصدی

فیروز قاسم‌زاده، مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور اعلام کرد که تا ۱۵ فروردین سال آبی جاری، ورودی آب به مخازن سدهای کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۸ درصد کاهش یافته و به ۱۳.۱۵ میلیارد مترمکعب رسیده است. حجم آب موجود در مخازن سدها با ۱۷ درصد کاهش به ۴۸ درصد ظرفیت رسیده است. میزان خروجی آب از سدها نیز با ۵ درصد کاهش مواجه شده است.

در انتظار چوبه‌دار

مجید اسدی، وکیل خانواده مقتول منصوره قدیری اعلام کرد، متهم پرونده به قتل عمدی به قصاص نفس و به دلیل خدمات غیرموثر به دیه محکوم نشده است. طبق حکم، اولیای دم باید تقاضای دیه و سهم دیه فرزند مقتول را پرداخت کنند؛ حکم ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ در دیوان عالی کشور قابل فرجام‌خواهی است. موکل اسدی قصد دارد از سهم مهریه دخترش، هزینه ۸۰۰ میلیون تومانی را تأمین کند.

مرگ دردناک

علی نصیری، رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران اعلام کرد: ۵۶۰ نفر در سال گذشته در تصادفات رانندگی در تهران جان باختند. وی به آمار سازمان جهانی بهداشت استناد کرد که نشان می‌دهد، تصادفات علت نخست مرگ در گروه سنی ۵ تا ۲۹ سال هستند. این آمار نشان‌دهنده خطر جدی برای نیروی کار و اقتصاد کشور بوده و اقدامات فوری برای افزایش ایمنی ترافیکی ضروری است.

پویش بی‌ثمر

تبلیغات بدون تغییر: چرا پویش «نه به تصادف» در کاهش تصادفات اثر گذار نبود؟



فائزه مومنی
گروه اجتماعی

تصادفات جاده‌ای از دیرباز، معضل جدی و تراژدی اجتماعی در ایران به‌شمار می‌آید. در ایام نوروز با افزایش ناگهانی تردد جاده‌ای آمار این تصادفات به اوج خود می‌رسد و جامعه را به چالش می‌کشد. پویش «نه به تصادف» که قرار بود با آگاهی‌رسانی و تبلیغات گسترده به کاهش مرگ‌ومیر کمک کند، در عمل نتوانسته نتایج قابل قبولی به ارمغان آورد. ثبت ۸۸۰ کشته و بیش از ۲۰ هزار مجروح طی ۲۱ روز همراه با توقیف ۶۷۹۱ گواهینامه رانندگان متخلف، نشان می‌دهد که اقدامات سطحی و بی‌پایه، پاسخگوی ابعاد چندگانه و ریشه‌ای این بحران نبوده‌اند.

در بازه زمانی ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ طبق اعلام سردار تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور ۷۳۸ فقره تصادف فوتی رخ داده و ۸۸۰ نفر از هموطنان عزیز جان خود را از دست داده‌اند. همچنین ۱۵.۸۳۳ فقره تصادف جرحی ثبت شده که در آن بیش از ۲۰.۱۰۹ نفر مجروح شدند. این ارقام در کنار ثبت بیش از ۱۰۱۶.۳۴۳ فقره تصادف نشان از شیب صعودی بی‌رحمانه و پیامدهای مرگبار عدم توجه به نکات ایمنی جاده‌ای دارد. با وجود افزایش ۳ درصدی تردد جاده‌ای نسبت به سال گذشته، کاهش آمار تصادفات فوتی، اگرچه بهبود نسبی محسوب می‌شود اما به هیچ وجه به حد قابل قبولی نرسیده است. این وضعیت نه‌تنها نشانی از ناکارآمدی اقدامات اجرایی است بلکه بیانگر عمق مشکلات ساختاری، فرهنگی و نظارتی در سیستم حمل‌ونقل و جاده‌ای کشور است.

«نه به تصادف»: تبلیغات بی‌تأثیر در مقابل بحران واقعی پویش «نه به تصادف» که از ماه‌های پایانی سال گذشته با شعارها و کمپین‌های تبلیغاتی گسترده به اجرا درآمد، هدف خود را افزایش آگاهی عمومی و ترویج فرهنگ رانندگی ایمن اعلام کرده بود. رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان هم بر ضرورت آموزش‌های مداوم تأکید کرده بود؛ اما در عمل، این رویکرد تنها به سطح تبلیغات ختم شده و از تغییرات عمیق در فرهنگ رانندگی و اصلاح زیرساخت‌ها فاصله داشته است.

انتقاد اصلی از پویش «نه به تصادف» در این نکته است که تنها به جنبه‌های ظاهری مسأله پرداخته و عوامل بنیادی را نادیده گرفته است. تبلیغات بی‌اثر و اعمال موقتی نظارتی مانند توقیف گواهینامه رانندگان متخلف در صورت عدم همزمانی با اصلاحات ساختاری در جاده‌ها و استانداردهای خودروهای داخلی، هرگز قادر نخواهند بود تصویری واقعی از کاهش مرگ‌ومیر ارائه دهند. به عبارتی ما شاهد یک سیاست زمان‌بندی شده با اقدامات تند و سطحی هستیم که در برابر بحران واقعی و پیچیده تلفات جاده‌ای، ناکام مانده است.

دلایل ریشه‌ای بحران تلفات جاده‌ای

برای درک بهتر ناکارآمدی پویش «نه به تصادف» باید به عوامل ریشه‌ای وقوع تصادفات توجه کنیم. اولین مورد، زیرساخت‌های جاده‌ای فرسوده و ناکافی است؛ جاده‌های کشور به دلیل عدم نگهداری صحیح و کمبود منابع مالی از دهه‌ها پیش نیاز به بازسازی اساسی را دارند. نقاط حادثه‌خیز، عدم وجود علائم هشداردهنده کافی، نورپردازی نامناسب و دوربین‌های نظارتی ناکارآمد، همگی از عواملی هستند که بدون اصلاحات جدی و سرمایه‌گذاری واقعی هرگونه کمپین فرهنگی بی‌اثر خواهد بود.

به اضافه اینکه تقریباً ۶۰ درصد از خودروهای تولید داخل

فاقد سیستم‌های ایمنی استاندارد مانند ترمز ABS، کنترل پایداری الکترونیکی و کیسه هوا هستند. ضعف ساختاری خودروها، که بارها توسط کارشناسان فنی مورد نقد قرار گرفته، سبب افزایش خسارات جانی در حوادث حتی با سرعت‌های پایین می‌شود. سیاست‌های حمایتی از خودروسازان داخلی در رفع این معضل به شکل نمادین و ناکافی انجام شده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل وقوع تصادفات، فرهنگ رانندگی نامناسب در جامعه است. رانندگانی که به قوانین راهنمایی و رانندگی بی‌توجه‌اند با سرعت غیرمجاز، عدم رعایت فاصله و تغییر مسیرهای ناگهانی، سهم بسزایی در افزایش تصادفات دارند. آموزش‌های سطحی رسانه‌ای و تبلیغات بدون تغییر واقعی در رفتار اجتماعی هیچ‌گاه نمی‌تواند این مشکل عمیق را مرتفع کند.

بهرغم اجرای طرح‌های نظارتی موقت مانند توقیف گواهینامه‌های رانندگان متخلف، به نظر می‌رسد که اعمال قوانین در سطوح پایین‌تر به طور جدی و منسجم پیگیری نمی‌شود. بدون نظارت دقیق و



پیگیری مداوم، تخلفات رانندگی به سرعت دوباره به سرایت خود ادامه می‌دهد و شاهد این وضعیت هستیم که با ۶۷۹۱ گواهینامه توقیف شده، مشکل همچنان پایدار مانده است.

افزایش ۳ درصدی تردد جاده‌ای نسبت به سال گذشته در کنار فصل‌های شلوغ و تعطیلات نوروز، فشار بیشتری بر زیرساخت‌های جاده‌ای وارد کرده است. این افزایش ناگهانی تردد بدون هماهنگی مناسب میان بخش‌های مختلف مسئول، زمینه‌ساز تصادفات بیشتر و ناگهانی‌تر می‌شود.

شکست‌های مشترک: نادیده گرفتن توصیه‌های کارشناسان

در طول سالیان گذشته، کارشناسان و نهادهای مختلف به نقاط ضعف سیستم حمل‌ونقل و نیاز به اصلاحات اساسی هشدار داده‌اند. اما با وجود این هشدارها، اقداماتی که اتخاذ شده‌اند، غالباً به صورت نمادین و بی‌اثر بوده‌اند. تأکید بر توقیف گواهینامه و اعمال مجازات‌های سطحی بدون بازنگری در ساختارهای مدیریتی و نظارتی، تنها زخم‌های سطحی را درمان کرده و به مشکلات عمیق نمی‌پردازد. مثلاً ضعف بدنه خودروها و استانداردهای پایین ایمنی، سال‌هاست که به عنوان یکی از علل اصلی مرگ‌ومیر در تصادفات جاده‌ای مطرح است؛ اما سیاست‌های حمایتی از خودروسازان با فشارهای اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی، تنها به شکلی ناقص و نیمه‌دلانه در نظر گرفته شده است. همچنین نادیده گرفتن زیرساخت‌های جاده‌ای و عدم سرمایه‌گذاری جدی در بازسازی جاده‌ها، مسأله‌ای است که در هر فصل تعطیلات نوروز به وضوح مشهود است. تأکید بیش از حد بر اجرای نظارت‌های لحظه‌ای و اعمال مجازات‌های کوتاه‌مدت، بدون توجه به مشکلات اساسی و ساختاری به‌نوعی نشان از بی‌توجهی مسئولان به ابعاد عمیق مسأله دارد. به عبارت دیگر، ما شاهد یک سیستم مدیریتی هستیم که به طور

جدی به بررسی و رفع عوامل بنیادی نمی‌پردازد و تنها با اجرای تدابیر سطحی، سعی در ایجاد تصویر مثبتی دارد.

عدم هماهنگی بین نهادهای

یکی از اصلی‌ترین علل ناکامی پویش «نه به تصادف»، عدم هماهنگی و همکاری موثر میان نهادهای مختلف دولتی است. وزارت راه و شهرسازی، وزارت بهداشت، سازمان پزشکی قانونی و پلیس راهور هر کدام در حوزه‌های اختصاصی خود فعالیت می‌کنند اما عدم یکپارچگی در سیاست‌گذاری و اجرای طرح‌های مشترک، باعث شده تا نتایج حاصل از هر کدام تنها به صورت مجزا و ناکافی باشند. سردار تیمور حسینی در سخنرانی‌های متعدد به لزوم همکاری نزدیک‌تر میان نهادهای مختلف اشاره کرده اما در عمل، این توصیه‌ها راه‌حل ارائه نشده، توقیف گواهینامه رانندگان است، سوال اصلی اینجاست: چرا سرمایه‌گذاری‌های اساسی برای بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای و ارتقای استاندارد خودروها انجام نمی‌شود؟ چرا سیاست‌های حمایتی از خودروسازان داخلی تنها به شکلی سطحی و نمادین اجرا می‌شود و به اصلاحات اساسی نخواهد انجامید؟ این ناهماهنگی و عدم توجه به ابعاد چندگانه مسأله، نه‌تنها باعث افزایش آمار تصادفات می‌شود بلکه اعتماد عمومی به توانایی دولت در حل بحران تلفات جاده‌ای را نیز به شدت زیر سوال می‌برد.

انتقادات کارشناسان

واکنش عمومی نسبت به آمار فاجعه‌باری که در نوروز ۱۴۰۴ به ثبت رسیده به شدت انتقادی بوده است. هموطنان ما که روزانه با پیامدهای مرگبار تصادفات مواجه می‌شوند، از سیاستمداران می‌خواهند تا به جای شعارها و کمپین‌های بی‌اثر، اقداماتی جدی و عملی انجام دهند. این انتقادات به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مطبوعاتی به اوج خود رسیده و موجب شده تا مسئولان به وعده‌های تکراری خود افتخار نکنند. کارشناسان نیز بارها اشاره کرده‌اند که تنها تکیه بر آمارهای گذرا و اعمال مجازات‌های لحظه‌ای، بدون توجه به تغییرات عمیق فرهنگی و ساختاری، هرگز قادر نخواهد بود تصویر واقعی از کاهش تلفات جاده‌ای ارائه دهد. در واقع، مسأله نه‌تنها از نظر مدیریتی بلکه از منظر اخلاقی و انسانی نیز قابل قبول نیست؛ چراکه جان انسان‌ها و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از این تصادفات، نیازمند پاسخگویی جدی و همه‌جانبه است. به اعتقاد آنها اصلاحات اساسی در زیرساخت‌های جاده‌ای، استانداردهای نظارت جدی بر خودروهای داخل، بازنگری عمیق در فرهنگ رانندگی، هماهنگی جامع میان نهادهای مسئول، مجازات‌های جدی و پایدار در کنار افزایش شفافیت و پاسخگویی دولت می‌تواند، اثرات قابل توجهی داشته باشد. در واقع در مواجهه با بحران مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات، مسئولان نباید به تبلیغات و شعارپردازی اکتفا کنند؛ بلکه باید پاسخگویی جدی نسبت به هر جان از دست رفته و هر حادثه رخ داده، داشته باشند.

به‌عنوان یک جامعه، ما نمی‌توانیم به حالت سکون و بی‌تفاوتی نسبت به جان‌های از دست‌رفته در جاده‌های کشور ادامه دهیم. هر روز که بدون تغییرات اساسی و هماهنگ مسئولان، شاهد تراژدی‌های نوروزی و فاجعه‌های تصادفی هستیم، نه‌تنها خسارت جانی بلکه ضربه‌ای به اعتبار و آینده‌ای امن برای کشور وارد می‌شود. مسئولان باید با جدیت به بررسی هر یک از عوامل ریشه‌ای، از زیرساخت‌های جاده‌ای گرفته تا استاندارد خودروها و فرهنگ رانندگی بپردازند و از هرگونه اقدام سطحی و نمادین پرهیز کنند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدافضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظرشورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • شانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

— کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰ —



افراط در اختلاف ۲۳۳

ادامه دوشنبه ۱۰ دی

سقوط دولت موقت در آرزانتین

در آرزانتین با تداوم شورش‌ها، دولت جدید موقت هم سقوط کرده و پاکستان از موضع ضعف برای ارضای هند، رهبر لشکر طیبه و جمعی از سران آن را بازداشت کرده است. آمریکا گاهی مناطقی از افغانستان را برای اثبات ادعای ضرورت ماندن نیروهایش بمباران می‌کند و امروز در بمباران روستای قلعه [نیازی واقع در ولایت پکتیا] ۱۰۷ نفر از مردم روستا کشته شده‌اند و دولت ضعیف افغانستان هم جرأت مخالفت جدی را ندارد.

سه‌شنبه ۱۱ دی

دیدار با عبدالمجید معادبخواه

آقای [علی] شمس‌اردکانی، [رئیس اسبق منطقه آزاد قشم] آمد. ابتدا از اینکه در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه کم شده است، ابراز نگرانی کرد و گفت، بدون سرمایه‌گذاری مشکل بیکاری، رفع نخواهد شد. سپس از کارشکنی‌هایی حکایت کرد که در کار واحد معدنی و صادراتی که تأسیس کرده، وجود دارد. سنگ آهک از معدنی در کنار بندر طاهری از طریق اسکله‌ای که ایجاد کرده صادر می‌کند. معدنی با میلیاردها تُن سنگ آهک، بازار خوبی در خارج دارد. گفت، استاندارد بوشهر و فرمانداری و ناجا [= نیروی انتظامی] مزاحمت ایجاد می‌کنند. می‌گویند، اسکله مرزبانی است و اجازه گمرک را کافی نمی‌دانند.

آقای [محمدباقر] نوبخت، نماینده رشت و دبیرکل حزب اعتدال و توسعه آمد. گفت، همکاری‌اش در حزب احساس مسئولیت ندارند و جدی نمی‌گیرند و مسئولیت‌های او زیاد شدند؛ خواست که حمایت کنم. آقای [محمد] هنردوست، [معاون بین‌الملل سازمان صدا و سیما] همراه آقای محمد حسین صوفی، [رئیس شبکه دو سیما آمدند. گفتند، مجلسیان دنبال می‌کنند که بخشی از درآمد آگهی‌های سیما را برای ورزش بگیرند و درخواست داشتند، اگر به مجمع [تشخیص مصلحت نظام] آمد، مانع از دست‌رفتن درآمدهای صداوسیما شوم. عصر آقای [عبدالمجید] معادبخواه، [رئیس بنیاد تاریخ] آمد. گفت، دانشگاه آزاد تاکنون دو مورد پایان‌نامه را به بنیاد تاریخ ارجاع داده و از درآمد ساختمان جدید بنیاد، هزینه‌های بنیاد را تأمین می‌کند ولی امکان پرداخت بدهی‌ها را نخواهد داشت. خواست، گفت‌مانی برای هدایت بهتر امور انقلاب برقرار شود. برای آقای [حسین] شاه‌حسینی، [عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران]، وقت ملاقات خواست.

شب، آقای [عباسعلی] علیزاده، رئیس دادگستری تهران آمد. وضع پرونده‌های نهضت آزادی‌ها، ملی‌مذهبی‌ها و [محسن] میردامادی را گفت و از آقای [سیدعلی‌اکبر] محتشمی شکایت داشت که در جلسه غیرعلنی دیروز مجلس به آقای هاشمی‌شاه‌رودی، [رئیس قوه قضائیه] اهانت کرده و گفته، شناسنامه ایرانی نداشته و اخیراً با کمک علیزاده دریافت کرده و ادامه داد که آقای هاشمی‌شاه‌رودی، رانت‌خواری دارد و در خانه غضبی ساکن است و در نجف علیه انقلاب و امام حرف می‌زده و باید دادگاه [ویژه] روحانیت، او را احضار کند. گزارشی از پرونده شهرام جزایری داد و گفت، کمک‌های مالی هنگفتی به آقایان سیدهادی خامنه‌ای و [مهدی] کروی و دیگران داده است. شب، بستگان به عنوان پاکشایی سارا [لاهوئی]، [دختر فاطمی] میهمان عفت بودند. جلسه زنانه است و شلوغ و... .



نیره خادمی
گروه تاریخ

محمدعلی‌شاه از نوادگان دختری امیرکبیر خرافه‌پرست، مستبد، زورگو و کم‌ظرفیت بود و نه تنها سرانجام بدی پیدا کرد که حالا هم به عنوان یکی از منفورترین شاهان تاریخ ایران شناخته می‌شود. او از سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸ بر ایران حکومت کرد و در سال آخر حکومتش با همکاری نیروهای روسی به مخالفت با مشروطه‌خواهان پرداخت، مجلس را به توپ بست و با فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان به سفارت روسیه در تهران پناهنده شد. سرانجام اعضای مجلس عالی که متشکل از سران مشروطه بودند، محمدعلی‌شاه را از سلطنت خلع کردند. ششمین شاه قاجار پس از برکناری به شهر ساحلی اودسای اوکراین سپس به ایتالیا رفت و سرانجام در ۱۶ فروردین ۱۳۰۳ از دنیا رفت.

◀ مدافع ظاهری مشروطه

مظفرالدین‌شاه چند روز پس از امضای قانون اساسی از دنیا رفت و محمدعلی میرزا به جای او تاج‌گذاری کرد. شاه جوان، اگرچه در دوران ولیعهدی به صورت ظاهری خود را مدافع مشروطه نشان داده بود پس از رسیدن به قدرت، برای برهم زدن انقلاب مشروطه تلاش کرد؛ به ویژه اینکه مقرریش براساس قوانین جدید دچار تغییراتی می‌شد.

یک روزنامه انگلیسی او را این‌چنین توصیف کرده است: «تا هنگام درگذشت پدر در ژانویه ۱۲۸۵/۱۹۰۷ ش در منطقه پرت و دورافتاده آذربایجان به سر می‌برد این پادشاه که در ۲۱ ژوئن ۱۸۷۲ به دنیا آمده در زمان مرگ پدرش ۳۵ ساله بود. او تا این زمان هیچ‌گونه تعلیم و تربیت اروپایی نداشته و هیچ‌گاه از ایران بیرون نرفته بود. در اغلب سال‌های این دوران حتی از آذربایجان خارج نشده بود. کسانی که محمدعلی میرزا را در زمان ولایت‌عهدی دیده بودند، او را مردی سبکسر و بی‌وقار و گفتارش را زشت و ناهنجار تشخیص داده، هیچ‌گونه آثار ظاهری لیاقت و کفایت در او مشاهده نکرده‌اند.»

شاه‌بدنام

به بهانه سالروز درگذشت محمدعلی‌شاه از نوادگان امیرکبیر

◀ سوگند چهارباره

برخی منابع او را فردی با خلق‌وخوی ساده و زودرنج دانسته‌اند که از دسیسه و تحریک به شدت آزرده می‌شد و چون قدرت و اختیار شاهانه را همچون قدرت جدش ناصرالدین‌شاه در ذهن می‌پروراند، زمانی که به واسطه مشروطه با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد نتوانست آن را تحمل کند. محدودیت‌ها محمدعلی‌شاه را می‌آزرد بنابراین حتی در روز تاج‌گذاری هم هیچ‌یک از سران مجلس جهت شرکت در جشن دعوت نشدند. آن‌طور که خسرو معتضد در کتاب قصه‌های قاجار به نقل از یک روزنامه انگلیسی آورده است؛ شاه جوان در تیراندازی مهارت داشت، عیاش و همیشه تنگدست بود:



«محمدعلی میرزانسبت به مشروطیت هیچ‌گونه تمایل و رغبتی نداشت. او در یک سال چهار بار نسبت به قانون اساسی سوگند وفاداری یاد کرد: نخست در سال ۱۹۰۶ یعنی موقع اعطای مشروطیت از طرف پدرش به ملت ایران، بار دوم در ژانویه ۱۹۰۷ یعنی هنگام جلوس خود بر تخت سلطنت، دفعه سوم همان سال و چهارمین بار در ماه نوامبر که به مجلس رفت.»

◀ ریشه برخی اختلافات

محمدعلی‌شاه یک سال پس از نشستن بر تخت سلطنت متمم قانون مشروطه در ۱۰۷ اصل را امضا کرد اما حدود ۶ ماه بعد مورد سوء قصد قرار گرفت. محمدعلی‌شاه قاجار در جوانی شاهد

اقتدار و نفوذ روسیه تزاری در ایران بود بنابراین از آنها بسیار حساب می‌برد اما پیوند او با روس‌ها به واسطه «شاپشال» مربی سوارکاری و معلم زبان و مشاور روسی‌اش قوی‌تر شد و در زمان ولیعهدی در تمام امور با او مشورت می‌کرد. روس‌ها هم در ایجاد دشمنی شاه با مشروطه، سهم عمده‌ای داشتند و دخالت آنها در سیاست ایران به ویژه در زمان برکناری مشیرالدوله و جانشینی امین‌السلطان، موجبات ناراحتی مجلسی‌ها را فراهم کرد. نشریه هفتگی صوراسرافیل هم که به راه افتاد، کینه شاه نسبت به مشروطه بیشتر برای درگیری جدی با مشروطه‌خواهان آماده شد. محمدعلی‌شاه در اندیشه برچیدن نظام مشروطه بود و آن‌طور که در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان آمده است؛ درگیری اصلی میان شاه و مجلس به ساختار آینده دولت مربوط می‌شد. نمایندگان با توجه به ترجمه‌ای که از قانون اساسی بلژیک در دست داشتند، اصول یک نظام حکومتی پارلمانی را در متمم قانون اساسی گنجانده‌اند. شاه که اقتدار سلطنت را از دست رفته می‌دید از توشیح متمم قانون اساسی خودداری کرد.

◀ به توپ بستن مجلس و سقوط شاه

پس از دو سال سرانجام دستور به توپ بستن مجلس از سوی محمدعلی‌شاه در ساعت ۴ صبح دومین روز تیر ماه ۱۲۸۷ صادر شد و موجبات سقوط او را فراهم کرد. دستور محمدعلی‌شاه با همکاری روس‌ها انجام شد و لیاخوف هفتمین فرمانده روسی بریگاد قزاق ایران، مجلس را به توپ بست. این حادثه در شرایطی که مجلس نخستین دوره تجربه قانون‌گذاری را پشت سر می‌گذاشت، اتفاق افتاد و به نقطه اوج درگیری قاجاریه با مردم تبدیل شد. محمدعلی‌شاه بسیاری از رهبران برجسته مشروطه را دستگیر، زندانی یا تبعید کرد و بسیاری تحت فشار قرار گرفتند. ۲۵ تیر سال بعد پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، مجلس عالی او را از سلطنت خلع کرد. محمدعلی‌شاه قاجار با تقاضای پناهندگی سیاسی، وارد باغ سفارت روسیه در منطقه زندگه شد و دو ماه بعد از ایران خارج و در بهار ۱۳۰۳ به علت دیابت حاد و نارسایی کلیه در ایتالیا از دنیا رفت.

تقویم

نویسنده نادر

یادی از خالق «یک عاشقانه آرام»



توئع کار نادر ابراهیمی زیاد بود؛ داستان، داستان کوتاه، زندگی‌نامه، فیلمنامه، داستان کودکان و نمایشنامه می‌نوشت، تثر شاعرانه‌ای داشت و به همین دلیل بیشتر آثارش پرمخاطب بودند. چهاردهم فروردین ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد و پنج‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۷ پس از چندین سال دست‌و‌پنجه نرم کردن با بیماری در سن ۷۲ سالگی درگذشت. ابراهیمی از دبیرستان دارالفنون دیپلم ادبی داشت، بعد وارد دانشکده حقوق شد اما آن را رها کرد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول شد. از ۱۶ سالگی نوشتن را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان «خانه‌ای برای شب» چاپ کرد. او فعالیت حرفه‌ای در زمینه ادبیات کودکان را با تأسیس «موسسه همگام با کودکان و نوجوانان» متمرکز کرد تا به مطالعه مسائل مربوط به کودکان و پژوهش در باره رفتار و خلق و خوی کودکان و روش‌های یادگیری آنها بپردازد. در زمینه ادبیات کودکان، جایزه نخست براتیسلاوا، جایزه نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه کتاب برگزیده سال ایران و چندین جایزه دیگر را دریافت کرد و عنوان «نویسنده برگزیده ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب» را هم به خاطر داستان بلند و ۷ جلدی «آتش بدون دود» به دست آورد. نادر ابراهیمی چندین فیلم مستند و سینمایی همچنین دو مجموعه تلویزیونی را نوشته، کارگردانی کرده و آهنگ‌ها و ترانه‌هایی برای آنها ساخته است. سیمین دانشور، نادر ابراهیمی را چنین توصیف کرده است: «نادر ابراهیمی در معرفی ادبیات به کودکان این سرزمین کمک بسیاری کرد. کار بزرگ و نادر او معرفی و شناساندن ادبیات به کودکان از طریق قصه‌هایش بود و این شناخت برای کودکان بسیار ارزنده و درخور توجه است. علاوه بر آثار او در زمینه ادبیات کودک، کارهایش در ادبیات بزرگسال نیز بسیار ارزنده است که بسیاری از آنها را دوست دارم». چند فیلم مستند و سینمایی و دو مجموعه تلویزیونی را نوشت و کارگردانی آنها را هم بر عهده داشت. ابراهیمی نخستین موسسه غیردولتی ایران‌شناسی را تأسیس کرد که هزینه و زحمت‌های فراوانی برای سفر، تهیه فیلم، عکس، اسلاید و بایگانی کردن آنها صرف کرده بود. حامد کنی، مدیر نشر روزبهان و ناشر رسمی آثار نادر ابراهیمی می‌گوید: «بیشتر نویسندگان داخلی یک یا دو کتاب پرفروش و پرمخاطب دارند اما نادر ابراهیمی تقریباً همه آثارش پرمخاطب است و هیچ اثری ندارد که چند بار چاپ نشده باشد. آثار مهم او بیشتر از ۵۰ بار چاپ شده‌اند، البته کلمه چاپ واژه درستی نیست. با یک نگاه تقریبی می‌توانیم بگوییم بیش از یک میلیون نسخه از آثار نادر ابراهیمی از آغاز تاکنون منتشر شده است. این موضوع در نویسندگان داخلی هم نادر است و خود او هم که نادر است». او نادر ابراهیمی را نمونه موفق از نویسندگان داخلی می‌داند که در ابعاد مختلف کار کرده و وجوه مختلفی دارد: «عمر آثار ابراهیمی زیاد است مثلاً کتاب بار دیگر شهری که دوستش می‌داشتم، از سال ۱۳۴۵ تاکنون کتاب موفق بوده و هر روز مخاطبان آن بیشتر می‌شود، نادر ابراهیمی هیچ اثری ندارد که مخاطب آن گذش یافته و کنار گذاشته شده باشد، البته آثاری هم دارد که مخاطبان آن کم هستند مانند سه دیدار، با سروخوان جنگ یا کارهای پژوهشی‌اش مثل صوفیانه‌ها و عارفانه‌ها یا کارهای کودک. تنوع عملیاتی کارهای نادر ابراهیمی باعث شده که مخاطبان بسیار وسیعی را پوشش بدهد و به یک نویسنده پژوهشگر مقبول در جامعه تبدیل شود». ابراهیمی در حوزه ادبیات بزرگسال هم دارای تالیفات متعددی است و اگرچه با سه‌گانه عاشقانه خود، به‌ویژه کتاب «یک عاشقانه آرام» شناخته می‌شود؛ درحالی که بیش از ۳۰ جلد کتاب در زمینه‌های مختلف را به نگارش درآورده است.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

هم‌اندیشان ارجمند

خانم سارا شبانی و آقای منصور ورشوئی

درگذشت مرحوم عزیزالله شبانی، موجب تأثر و تألم گردید. این فقدان غم‌افزا را به شما و همه بازماندگان تسلیت می‌گوییم و برایتان از درگاه پروردگار هستی‌بخش، شکیبایی آرزو مندیم.

روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران

كُلُّ مَرْءٍ عَلَيْهِ قَانٍ

همکاران گرامی

جناب آقای منصور ورشوئی و سرکار خانم سارا شبانی

مراتب تسلیت ما را در فقدان مرحوم عزیزالله شبانی پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایش باد.

روزنامه سازندگی